

شناسنامه کتاب

نام کتاب: ازدواج موقت (صیغه) و پیامدهای آن

تألیف: ابو عبد الرحمن محمد مال الله

ترجمه و تلخیص: مرتضی رادمهر

نشر الکترونیکی: کتابخانه، تاریخ ما - پایگاه دانلود کتابهای تاریخی و

مذهبی

تهیه از: اینی کاظمی ابهری

<http://pdf.tarikhema.ir>

Ancient.ir

فهرست

تقدیم مترجم

مقدمه مترجم

مقدمه علامه نظام الدین محمد اعظمی

مقدمه مولف

آغاز کتاب

حضرت عمر و ازدواج موقت

نکاح موقت از دیدگاه اهل بیت

بررسی روایات

افتراءات تشیع بر صحابه

افتراءات تشیع بر حضرت عبدالله ابن عمر

افتراءات تشیع بر اسماء بنت ابی بکر

روش استدلال اهل تشیع از آیه

نظریه شیخ الاسلام ابن تیمیه پیرامون آیه استمتاع

متعّه بر چه کسانی حلال است؟

صیغه و شروط متعه در نزد تشیع

متعّه جزو ایمان ارکان تشیع است

تشویقات تشیع به نکاح موقت

تعداد زنهای متعه شده در یک زمان

اجرت و مزد زنان متعه شده

جواز متعه با یک زن و لو اینکه هزاران بار باشد

تجدید مدت زمان متعه

در متعه میراث وجود ندارد

جواز تمتع با دختران باکره

جواز متعه با زنانی که شوهر دارند

جواز متعه با زنان زناکار

عاریت گرفتن زنان جایز است

جواز استمتاع از دبر زنان در عقد متعه

مصاحبه با چند نفر از نقاط مختلف کشور

مصاحبه با چند تن زن شیعه

مصاحبه در یک دانشگاه

خواننده عزیز

تقدیم مترجم

تقدیم به تمامی زنان مظلوم شیعه که فریب دسیسه های بنیانگذاران شیعه را خورده اند.

تقدیم به یگانه فرزندم نوید که چون یتیمان دست نوازش گر پدری بر سر ندارد.

و تقدیم به حامیان صلح و مبارزان در راه آزادی علیه خدنه و خرافات مذهب تراشان بی بنیاد.

فهرست

مقدمه مترجم

الحمد لله الذی هدانی الی الصراط المستقیم بعد ان كنت من الضالین
المشركین والصلاه والسلام علی سید الانبیاء والمرسلین محمد و آله و صحبه
اجمعین. اما بعد.

انسان یگانه موجودی است که از بدو تولد خویش به دنبال حقایق و
خداشناسی است و در همان ابتدا بر فطرت سلیم اسلام متولد می گردد و
سپس از رشد و تکامل عقلانی در مقابل حقایق و واقعیت های اسلامی و
مذهبی سر تعظیم و کرنش در مقابل ذات احدیت باری تعالی فرود می آورد من
نیز که در خانواده ای شیعی مذهب متولد شده بودم و از همان دوران طفولیت
و کودکی بنا به سفارش پدر و مادرم در مکتب و حوزه های علمیه تشیع
مذهب، مشغول تحصیل بودم همیشه سعی داشتم تا حقایق اسلامی را با دلایل
و منطق اسلامی و عقلانی بپذیرم که به حمد الله پس از ۱۲ سال تحصیلات در
حوزه علمیه قم و با داشتن مدرک دکترای دانشکده علوم پزشکی شهید بهشتی

توانستم حقایق تاریخی و اسلامی خویش را پیدا نمایم. و از منکرات و بدعات مذهب تراشان بی بنیاد و بی اساس به سوی هدایت و رستگاری راهیاب شوم آری! برادر و خواهر مسلمان من همان مرتضی رادمهر روشنفکر و دانشمند شیعه مذهب بودم که پس از شناخت عرفان و راه حق، مذهب اهل سنت را انتخاب و به آن عاشق و فریفته شدن و از اوهمات و خرافات خود ساخته ی مذهب تشیع رویگردان شدم و اینک به شما عزیزان و سروران خواننده نیز سفارش می نمایم تا راه اهل سنت و حقیقت را انتخاب و از خود فریبی و عوام فریبی دست بردارید بدعات و خرافات مذهب تشیع بسیار زیاد و گسترده هستند ولی عمده ترین آنها عبارتند از:

۱- ارتکاب شرک و توسل به اموات و مرقد‌های خود ساخته و جعلی

ائمه و اولیاء.

۲- تقیه فریب، نیرنگ با آن و سلب اعتماد از سخنان و گفته های انبیاء،

ائمه و امت اسلامی.

۳- بدبینی و اعتماد نداشتن به صحابه و دشمنی و عداوت با یاران رسول

الله.

۴- جعل احادیث و روایات و نسبت آنان به پیامبر و ائمه.

۵- متعه و ازدواج موقت و جعل احادیث در فضیلت و ثواب آن.

۶- بر پا داشتن سینه زنی و راه انداختن دسته های زنجیر زنی و . . . در

ماه محرم و عاشورای حسینی.

۷- لعن و نفرین صحابه بر روی منابر و اظهار بیزاری از آنان.

۸- انتظار ظهور مهدی و اعتقاد بر تولد و غیبت صغری و کبری حضرت مهدی و ارتباط نائبان و کاتبان وی با او.

۹- فریاد رسی و شفا حاصل نمودن توسط ائمه و صلحاء در مصائب و مشکلات.

۱۰- عصمت ائمه و اهل بیت.

۱۱- غصب خلافت حضرت علی و سکوت ۲۵ ساله ی او.

۱۲- اتهام به مادر مومنان همسر گرامی رسول الله حضرت عایشه -رضی الله عنها-.

که به حول و قوه ی الهی سعی شده است که در کلیه این زمینه ها رساله های متعدد و گوناگونی ترجمه و به رشته تحریر در آورده شود و در اختیار عموم عزیزان و سرورانی که در پی رستگاری و هدایت هستند قرار گیرد تا باشد که او سبحانه و تعالی توسط آن به بنده قوت قلب و به خوانندگان راهی به سوی حق و حقیقت راه گشایی نماید.

به امید آن روز

مرتضی رادمهر

۸۱/۸/۱۸

فهرست _____

مقدمه علامه نظام الدین محمد اعظمی

الحمد لله رب العالمين، احل النكاح، و حرم السفاح، و توعده مرتكبه
بالعذاب المهين والصلاه والسلام على سيد ولد آدم محمد بن عبدالله و على
آله الطيبين الطاهرين و اصحاب البره الثقات المتقين القائل "صلوات الله و
سلامه عليه": "لا يزني الزاني حين يزني و هو مومن".

اما بعد! مسئله نكاح و ازدواج موقت يكي از مسائل پر ماجرا و مباحث
بسيار جنجالي است كه امروزه پيرامون آن به گفتگو مباحثه مي پردازند كه
پس از به كار آمدن روحانيت- در کشور ايران- هزاران كتاب و رساله درباره
ي عقايد تشيع به رشته ي تحرير در آمده است- چگونه آنان اين كارها را
رايج نگردانند در حالي كه آنان صاحب نظران و به اصطلاح روشنفكران و
حاميان مذهب تشيع هستند- آنان در اين كتابها و رساله ها به صراحت و با
بي حيايي كامل به زنا و فحشا و منكرات دعوت مي دهند و آن را جنبه ي
شرعي داده اند و به نام نكاح متعه و موقت نامگذاري کرده اند كه درباره ي
فضايل و ثواب آن نيز احاديث جعلي بسياري را به ائمه و پيامبر اكرم-صلي
الله عليه وسلم- نسبت مي دهند اعاذنا الله منه- اينان براي توجيه جوانان و
مادران مسلمانان دلایلي همچون:

(۱) نكاح موقت جزء ضروريات ديني است.

(۲) راهي به سوي نكاح دائمي و هميشگي است و ... چنگ مي زنند، و
چنان زياده روي نموده اند كه حرمت آن را به خليفه دوم مسلمانان
اميرالمومنين حضرت عمر بن خط اب-رضي الله عنه- نسبت داده و او را
مورد طعن و نفرين خود قرار داده اند، اين كلمه، كلمه ي بسيار سنگين و
بزرگي است كه آنان آن را از دهان خود خارج نموده و آن چيزي نيست بجز
دروغ و بهتان كه به خليفه دوم مسلمين آن را نسبت مي دهند. برادر عزيزم و

بزرگوارم جناب محمد مال الله مولف این کتاب افتراءات و تهمت های آن را کاملاً در کتاب بیان نموده و سپس به پاسخ شبهات و پرسش های آنان نیز پرداخته است وی به پاسخ دلایل بسیار مسخره و بچگانه رهبر انقلاب اسلامی که در کتاب کشف الاسرار آن را درج کرده است نیز پرداخته است، دیدگاه حضرت عمر بن خطاب -رضی الله عنه- همان دیدگاه و نظریه پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- است که آن را بنا به روایات و مسانید صحیح و درست اهل سنت و تشیع -در سال خبیر بیان نموده اند، سپس وی افتراءات و بهتان های تشیع بر بعضی از صحابه از قبیل عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر و پدران این دو بزرگوار را نقل و به نقد و بررسی آن می پردازد و در باب سوم تحریف صریح و آشکار تشیع پیرامون توضیح و تفسیر آیه "فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً" می پردازد کسی که مباحث این کتاب را آن بایی را که در آن به پیامدهای ننگین و شوم نکاح موقت اشاره نموده است مطالعه نماید. و هر برادر و خواهر شیعی را به خواندن این کتاب تشویق و ترغیب نماید و پس از خواندن آن مطالب و بدون هیچ گونه تعصب مذهبی از خود بپرسد آیا خود او برای عمل نکاح موقت راضی می شود و آیا آن را برای خواهر، دختر و خویشاوندان نزدیک خود جایز و تقرب الهی می داند؟ بدون شک برادر عزیزم جناب آقای ابو عبدالرحمن این مسئله را بسیار جالب و دلچسب توضیح داده است و بوسیله آن کفر دشمنان اسلام را شکسته و آتش سوزان آنان را خاموش و تا روز قیامت آنان را گنگ و لال ساخته است که تا دمیدن صور اسرافیل هرگز نمی توانند سخن بگویند، علاوه بر دلایل استاد بزرگوار بر حرمت متعه دلایلی را بنده نیز به طور خلاصه و فهرست وار عنوان می نمایم.

آیه "وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ (5) إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (6) فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ "

دلیل واضح و روشنی است بر حرمت نکاح موقت، این آیه فقط بیانگر حلال بودن زوجه و ملک یمین است و استمتاع و فایده گیری از غیر این دو را حرام بیان می دارد و پر واضح است که عقد نکاح موقت و ازدواج متعه هرگز جزو زوجه محسوب نمی شود و دلایل آن عبارتند از:

اولاً: خداوند زوجه را محل مودت (دوستی) و آرامش و اطمینان خاطر و راز دار مرد معرفی نموده است و آن کسی که خود را در مدت یک ساعت یا چند ساعت و چند روزی در اختیار و اجاره ی مردی قرار می دهد هرگز مودت و آرامش و اطمینان بر آن وجود ندارد خداوند متعال درباره ی ازدواج چنین می فرماید: "وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا" و می فرماید: "وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً" که ازدواج موقت و زنان اجاره ای و متعه ای هرگز مصداق این آیه قرار نمی گیرند.

ثانیاً: زنانی که به صورت نکاح موقت در عقد نکاح در آمده اند هرگز از شوهران و شوهران از آنان ارث نمی برند و این دلیلی واضح و روشنی است که آن دو، زوج و زوجه شرعی گفته نمی شوند والا آیات میراث باید آنها را شامل می شد.

ثالثاً: زنی که به صورت نکاح موقت در عقد نکاح در آمده است می تواند شرط قرار دهد که زوج از زوجه در محل قبل (فرج) استفاده ننماید در حالی که در نکاح دائم هرگز این شرط اعتبار و ارزشی ندارد و خداوند متعال نیز در آیه ای پیرامون آن می فرماید: "نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ". (زنان شما کشت زار شمایند بیاپید به کشت زار خویش به هر روش

که می خواهید.)

رابعاً: عدتی که برای نکاح موقت برادران تشیع به آن معتقد و قائل اند هرگز مانند عدت زنانی که به صورت دائم عقد شده اند نیست و این نیز دلیلی دیگر است که نکاح متعه و زنانی که به آن مبتلا شده اند بغیر از زنا و فحشا کار دیگری انجام نمی دهند ولی افسوس که این قوم نمی فهمند.

و در پایان یادآور می شود که اختلاف ما با تشیع اختلاف فرعی و جزئی و یا فقط فقهی نیست بلکه اختلاف ما عمیق تر از این است اختلاف در اصول و عقاید است که اهم آن اختلافات عبارتند از:

۱- آنان می گویند قرآن تحریف، تنقیص، تبدیل و تغییر یافته است ولی ما معتقدیم که قرآن هرگز تحریف نشده است و دلیل آن آیه "إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ" همانا ما قرآن را نازل کردیم و بی شک نگهدارنده آن هستیم.

۲- آنان می گویند اصحاب آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- به استثناء بعضی - بعد از وفات آن حضرت مرتد شدند و در امانات و دیانات خیانت کردند و معتقدند که از همه صحابه خلفاء ثلاثه بیشتر نقش داشته اند و از همه آنان گمراه تر بوده اند لذا از همه آنان را مبعوض تر می دانند ولی ما معتقدیم که اصحاب آن حضرت بهترین افراد و خیر البشر - بغیر از انبیاء بوده اند، دروغ و بهتانی را نبسته اند و دلیل ما بر این مدعی آیه "مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ" است.

۳- آنان معتقدند که ائمه دوازده گانه معصوم و عالم الغیب اند و جبرئیل بر آنان نازل می شود جامع و کلیه علوم ملائکه، انبیاء و رسل اند آنان دارای

علم گذشته و آینده بوده اند که هیچ امر و چیزی از آنان مخفی نبوده است و آنان جمیع لغت ها و فرهنگ و گویشهای جهان را می دانسته اند و زمین از آن آنان است.

جناب آقای خمینی در کتاب الحکومه الاسلامیه چنین می نویسد:

"ائمه دارای مکان و منزلتی هستند که هیچ ملک مقرب و پیامبر مرسل به آن نرسیده اند" و ما معتقدیم که ائمه دوازده گانه مانند بقیه انسانها بشر بوده اند و با بقیه هیچ گونه فرقی نداشته اند که برخی از آنان فقیه و برخی عالم و دانشمند و برخی خلفاء بوده اند و در بین آنان نیز کسانی بوده اند که به این منزلت نرسیده اند و ما از آنچه که ائمه از آنان بیزار بوده اند و از آن نهی کرده اند نیز نهی می نماییم و هرگز به آنان آن چیزی را که در وجود آنان نبوده است نسبت نمی دهیم.

عمده ترین اختلافات در بین تشیع و تسنن همین اختلافات بودند ولی نکاح موقت یکی دیگر از اختلافاتی است که برای عقاید ننگین و شومشان به آن متوسل شده اند که بوسیله آن چهره های صحابه را به زعم خویش می خواهند کریه و جریحه دار نمایان نمایند که همه ی آن افکار و عقاید از شیطان لعین و ابلیس رجیم و شهوات نفسانی نشات گرفته است.

اعاذنا الله و ایاکم منه

نظام الدین محمد الاعظمی

بغداد ۱۵/۱/۱۹۸۶

فهرست

مقدمه مولف

ألا يا صاح أخبرني بما قد قيل

في المتع

و من قال: حلال هي كمن قد

قال الرجعه

كذبتهم لا يحب الله شيئاً يشبه

الخدعه

لها زوجان في طهر وفي طهر

لها سبعه

إذا فارقتها هذا اخذها ذاك،

بالشفعه

فهى من كل انسان لها فى

رحمها متعه

ای مرد خردمند به آنچه که درباره ی متعه (صیغه) گفته شده است مرا خبر ده، و کسی که گفته آن حلال است همانند کسی است که در رجعت گفته (اعتقاد به رجعت داشته)، دروغ گفتید، خداوند چیزی را که با خدعه و نیرنگ شباهت داشته باشد دوست ندارد. او (زن صیغه ای) در یک طهر دو شوهر دارد و در طهری دیگر هفت شوهر وقتی که این یکی (زن صیغه ای) رها کند آن دیگری با شفعه (حق همسایگی) آن را می گیرد پس این زن از

هر انسانی (که با او صیغه کرده) در رحمش یادگاری دارد.

فهرست

آغاز کتاب

الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على المبعوث رحمه للعالمين
وعلى آله وصحبه ومن اتبع هداه إلى يوم الدين، أما بعد.

نکاح موقت یکی از مسائل اختلافی و جنجالی بین مسلمانان و اهل تشیع است که در طی احادیث صحیح و آیات مختلفی حرمت آن به اثبات رسیده است و تا روز قیامت نیز بنا به همان روایات و آیات حرام گردیده است، ولی اهل تشیع احادیث و روایات جعلی و خود ساخته ای را به ائمه و پیامبر اکرم نسبت داده اند که به وسیله آن اکاذیب و روایات جعلی حلت و جواز آن را ثابت می نمایند که به غیر از زنان زناکار و بداخلاق هیچ زن دیگری قادر و حاضر به انجام چنین کاری نمی شود، صحابه بزرگوار و تابعین گرانقدر آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- به حرمت آن قائل بوده اند که نظریات و اقوال زرین آنان نیز در تاریخ و کتابهای معتبر درج گردیده است، ولی روافض به خاطر اتباع شیطان و شهوات نفسانی، آن نظریات و روایات را نادیده گرفته که مذهب آنان بر گرفته از مذاهب و ادیان مختلف است که به طور خلاصه می توان گفت مذهب تشیع مذهبی مخترع و خود ساخته است که اصل و نسب ندارد، تشیع تنها به وضع و جعل روایات جعلی اکتفا نموده اند بلکه پا را از آن نیز فراتر گذاشته و نظریات جعلی و خود ساخته ای را به صحابه بزرگوار و جلیل القدر نسبت داده اند که برای قانع نمودن خوانندگان آن نظریات و روایات منابع و مأخذ جعلی دیگری را که هرگز در آن کتابها مانند

آن روایات و نظریات یافته نمی شود را نیز نقل نموده اند.

این حربه ای است که پس از روی کار آمدن روحانیت تشیع در کشور ایران به کثرت از آن استفاده می نمایند- که به طور نمونه و مثال می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

(۱) روایت حلت و جواز متعه صیغه که از کتاب سنن ترمذی آن را نقل می نمایند.

(۲) سخن دروغین را، فکیکی در کتاب متعه و محمد تقی الحکیم در کتاب الزواج الموقت و عبدالحسین شرف الدین در کتاب المسائل الفقهیه نقل نموده اند، اگر به دقت بنگریم در می یابیم که طعن بر صحابه جزء اصول مهم و اساسی مذهب تشیع است که به وسیله آن سابق و عملکرد را مورد انتقاد قرار می دهند، آنچه در این صفحات می خوانید سخنان و جملاتی است که در رد بر نظریه، خمینی که مدعی جواز صیغه است و معتقد است که حضرت عمر بن الخطاب حرمت نکاح موقت پس از اینکه پیامبر او را حلال کرده را اعلام نموده است، با وجود اینکه خمینی به حقیقت و واضح می داند که نکاح موقت در شریعت اسلامی جایگاهی ندارد و آن از لابلائی روایات تشیع و نظریات ائمه به این نظر رسیده است ولی از کلیه آن روایات برای حفظ مقام و رتبه ی خویش و ازدیاد محبوبیتش از همه ی آن روایات چشم پوشی می نماید او نه تنها به سلف صالح اهانت نموده است بلکه رهرو راه کسانی بوده است که با صحابه مخالفت و دشمنی سرسختی داشته اند که همچون خوارج خود را مسلمان و صحابه را کافر می پندارند، اسلاف امت اسلامی در دوران خود از صحابه و افترااتی که بر آن می بستند به طور کلی دفاع می نمودند و به نقد و بررسی افتراات می پرداختند که به طور نمونه می توان به مسئله

متعّه و ازدواج موقت اشاره کرد ولی خمینی در کتاب کشف الأسرار در صفحه ۱۱۷-۱۱۸ مسئله متعه را یکی از مخالفت‌ها حضرت عمر بن الخطاب با قرآن بر می‌شمارد وی چنین می‌نویسد:

"نکاح موقت به اجماع مسلمانان در زمان پیامبر تا وفات وی جایز و حلال بود و توسط هیچ ناسخی منسوخ نگشته است و از حضرت جابر بن عبدالله در صحیح مسلم نقل شده است که ایشان می‌فرماید: ما در عهد رسول الله و دوران خلافت حضرت ابوبکر متعه می‌نمودیم ولی عمر آن را حرام گرداند و از آن نهی کرد و از حضرت عمر نقل شده است که ایشان بر روی منبر فرمودند: دو متعه در زمان رسول الله بوده اند که من از آن دو نهی و بر آن معاقبه و عتاب می‌نمایم آن دو عبارتند از متعه حج و متعه زنان، این گفته ی وی (عمر بن الخطاب) مخالف صریح آیه: "فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ"

ترجمه: پس کسی که لذت گرفتید از زنان بدهید ایشان مهر مقرر کرده‌شان را، است. علامه طبری از جمع کثیری از مفسرین صحابه من جمله از ابی ابن کعب، ابن عباس، سعید بن جبیر و سدی نقل می‌نماید که این آیه درباره ی متعه زنان و ازدواج موقت است با وجود اینکه حضرت عمر نیز بر روی منبر اعلام نمودند که در زمان پیامبر ازدواج موقت جایز و حلال بوده است و من از آن نهی می‌نمایم."

به منظور رد و پاسخ مفتریات خمینی به تحریر و چاپ این کتاب اقدام نمودم امیدوارم که خداوند متعال آن را از بنده بپذیرد و ثواب و اجر آن را در میزان و حساب اعمال ما قرار دهد.

آنچه در این رساله می خوانید مشتمل بر مباحث و عناوین زیر است:

۱- نقد و بررسی حلت و حرمت ازدواج موقت و بیان افتراء حرمت از طرف تشیع به حضرت عمر بن الخطاب -رضی الله عنه- با ذکر روایات و مسانید تحریم نکاح موقت از دیدگاه صحابه و تابعین.

۲- نظریه اهل بیت و ائمه پیرامون نکاح موقت و حرمت آن از زبان و روایت صحیح و مستند اهل بیت رضوان الله علیهم اجمعین و نقد و بررسی روایت جعلی و اکاذیب منسوبه به ائمه و اهل بیت رضوان الله علیهم اجمعین.

۳- افتراءات تشیع و نقد و بررسی نظریات دروغین آنان به ابن عباس، ابن عمر و حضرت اسماء بنت ابی بکر. (رضی الله عنهم).

۴- ابطال و رد نظریه استدلالی تشیع از آیه "فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً!"

۵- عجایب و غرائب متعه از دیدگاه تشیع و بیان روایات شگفت انگیز جعلی آنان پیرامون ازدواج موقت.

و در پایان امیدوارم که خداوند منان این عمل را به درگاه خود بپذیرد و بوسیله آن نویسنده و خواننده را مشفع و بهره مند گرداند و در صورتی که برادران به خطاء و یا اشتباهی برخوردند مرا از آن مطلع گرداند تا در چاپهای بعدی تکرار نشود.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

أبو عبدالرحمن محمد مال الله.

فهرست

حضرت عمر -رضي الله عنه- و ازدواج موقت (صيغه)

سخن زیبا و دلنشین حضرت عمر بن خطاب که در بسیاری از کتابهای حدیث اهل سنت نقل شده است سبب آن شده است تا کور دلان و نافهمان در مقابل سخن گرانقدر او قد علم نمایند و به دشمنی و کینه توزی با وی پردازند ایشان در عهد خلافت خویش چنین فرموده اند: «متعان کانتا علی عهد رسول الله -صلی الله علیه وسلم- وأنا أنهی عنهما وأعاقب علیهما، متع ه الحج ومتعه النساء».

اگر به محتوای کلام حضرت عمر بن خطاب بنگریم در می یابیم که ایشان هرگز از جانب خود آن را نهی نکرده است بلکه همان نهی قبلی که از جانب رسول الله -صلی الله علیه وسلم- صورت گرفته است را به کلیه بلاد و سرزمین های اسلامی ابلاغ می نماید و چون ابلاغ توسط ایشان و در دوران خلافت او به صورت اکمل و اتم صورت گرفت آن نهی را به خود نسبت داده اند، حضرت عمر بن خطاب -رضی الله عنه- بنا به آیه کریمه الهی که در قرآن مجید به حج تمتع اشاره دارند به حج تمتع معتقد بودند چنانچه که از حضرت عبدالله بن عباس از ایشان نقل شده است که فرمودند: والله انی لا انهاکم عن المتعه وانها لفی کتاب الله و قد فعلها رسول الله.

حضرت عمر بن خطاب هرگز از آن نهی ننموده و نسبت تحریم به او نسبتی بی جا و ناروا است که به آن منسوب می نمایند بلکه ایشان معتقد بودند که حج عمره به طور جداگانه اولی تر و افضل تر است چنان که امام

شافعی و سفیان ثوری و اسحاق ابن راهویه و غیره به آن معتقدند، در آیات الهی خداوند متعال هدی را بر متمتع به خاطر جبران نقصان حج او واجب گردانده است چنانچه که می فرماید: آیه: "فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ" بیانگر همین مطلب می باشد آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- با وجود اینکه مهلت و فرصت زیادی در حجه الوداع داشتند فقط به ادای حج مفرد و در ادای عمره قضاء و عمره جعرا نه فقط به ادای عمره پرداختند، علامه ابوالفتح مقدسی می فرماید: حضرت عمر بن الخطاب از آن متعه ای که در قرآن مجید مذکور است نهی نفرموده اند بلکه در بین حج مفرد و عمره با احرام جداگانه فسخ انداخته اند که آن دو با دو احرام صورت گیرد و عمره به تنهایی انجام پذیرد، حضرت شیخ الاسلام علامه ابن تیمیه (رح) می نویسد: در دوران خلافت حضرت ابوبکر صدیق و اوایل خلافت حضرت عمر فاروق زائرین و حجاج در ایام حج به ادای عمره و حج می پرداختند و از ادای عمره در ماههای دیگر سال اجتناب می ورزیدند. و اندکی از حجاج به آن عمل می کردند لذا حضرت عمر -رضی الله عنه- به خاطر اینکه حج عمره نیز به صورت جداگانه انجام پذیرد از جمع حج و عمره نهی کردند لذا فرمودند اگر هر یک جداگانه انجام پذیرد بهتر و افضل است لذا از جمع آن دو نهی فرمودند تا در ماههای دیگر سال نیز حجاج برای زیارت بیت الهی قصد سفر نمایند، اما آنچه درباره ی متعه زنان و نکاح موقت به او نسبت داده اند که ایشان نکاح موقت را حرام گردانده است نسبتی غلط و نابجایی است زیرا که ایشان همان ابلاغ و نهی قبلی آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- را به عموم مسلمانان ابلاغ و بر آن تاکید داشته اند چنانچه که از ایشان روایت است که فرمودند: آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- سه بار متعه را جایز و سپس آن را حرام گردانند و قسم به ذات باری تعالی اگر بنده از حال کسی که ازدواج نموده و محصن است اطلاع یابم که اقدام به عقد نکاح موقت نموده

است او را رجم (سنگسار) می نمایم مگر اینکه چهار شاهد و گواه بر حلت نکاح موقت ارائه دهد و در روایتی دیگر از او چنین نقل شده است:

"اگر فرد غیر محصن اقدام به عقد نکاح موقت نماید او را صد ضربه شلاق خواهم زد مگر اینکه گواهانی را بر من ارائه دهد که آنان بر حلت نکاح موقت گواهی و شهادت دهند."

حضرت عمر بن خطاب پس از آنکه آن حضرت بر حرمت نکاح موقت پافشاری و تاکید نموده بودند آن را علناً اعلام و ابلاغ نمودند و بر تاکید آن افزودند و ایشان مبلغ و نافذ شریعت اند نه اینکه او را مخترع شریعت بدانیم، اعلام رجم افراد محصن از جانب وی دلیل واضح و روشنی است که حرمت نکاح موقت به طور قطع و ثبوت از آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- ثابت گردیده است که هیچ مخالفی نیز به مخالفت با آن نپرداخته است لذا عدم مخالفت و سکوت صحابه دلیل واضح و روشنی است که آن حرمت بالقطع و اتفاق ثابت گردیده است و هیچ فردی از صحابه به حلت آن معتقد نیست ولی در مورد حج تمتع پس از سخنان حضرت عمر بن خطاب جمع کثیری از صحابه با وی به مخالفت پرداختند.

علامه محمد حامد در کتاب "نکاح المتعه حرام فی الاسلام" چنین می نویسد: آنچه بنده آن را بیان می نمایم و بلکه هر مصنف و مولف دیگری نیز اذعان به آن دارد این است که حضرت عمر بن خطاب -رضی الله عنه- از جانب خویش هرگز نکاح موقت را حرام نگردانده اند زیرا که ایشان در قرآن مجید آیه "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ"

ترجمه: ای مومنان حرام نکنید آنچه را که خدا حلال ساخته است شما را

و از حد مگذرید هر آینه خدا دوست نمی دارد از حد گذرندگان را.

قرائت و به آن عشق می ورزید و همچنین آیه ای که در بیان کفار و عاقبت آنان نازل شده است را نیز قرائت نموده است آن آیه ای که خداوند متعال در آن می فرماید:

"قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ".

ترجمه: هر آینه زیان کار شدند آنان که کشتند فرزندان خود را به غیر دانش و حرام کردند آنچه روزی داد ایشان را به سبب دروغ بستن بر خدا به تحقیق گمراه شدند ایشان و نشدند راه یافتگان.

و همچنین آیه دیگری که خداوند متعال در آن به پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- می فرماید اگر کفار چیزهایی را حرام گردانده اند از آنان شاهد و گواه بر حرمت آن چیز طلب نما چنانچه می فرماید:

"قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَ كُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ".

ترجمه: بگو بیاورید علمای خود را آنان که گواهی می دهند که خدا حرام ساخته است این را سپس یا محمد به فرض گواهی دهند تو معترف مشو با ایشان و پیروی مکن خواهش کسانی که به دروغ نسبت کرده اند آیات را و کسانی که اعتقاد ندارند به آخرت و ایشان با پروردگار خود برابر می کنند.

علامه فخرالدین رازی در تفسیرش در صفحه ۲۸۷/۳ نهی حضرت عمر - رضی الله عنه - از نکاح موقت را بسیار جالب و زیبا پاسخ داده اند که در اینجا به دفاعیات و نظریه او به طور اختصار می پردازیم:

حضرت عمر بن خطاب این سخن نهی و تحریم نکاح موقت را در محضر صحابه بیان داشتند و هیچ کسی از صحابه به مخالفت با او نپرداخت در اینجا صحابه ای که در نزد او حاضر بودند یکی از این سه گروه بوده اند که سه احتمال در آن وجود دارد:

۱- صحابه نسبت به حرمت نکاح موقت مطلع بودند و با بیان حضرت عمر که موافق حدیث پیامبر بود مخالفت نکردند.

۲- صحابه به حلت و جواز نکاح موقت معتقد بودند ولی از خوف و ترس با او مدارا و مدهانت نمودند و به مخالفت با او بر نخواستند.

۳- صحابه به حرمت و حلت آن یقین نداشتند و در بین حرمت و حلت آن متردد بودند لذا سکوت کردند نظریه و احتمال اول بهترین و پسندیده ترین احتمالات است زیرا که دو احتمال بعدی به طور کلی منتفی هستند احتمال دوم به این دلیل منتفی است که اگر حضرت عمر به حلت آن معتقد بود و آن را حرام گرداند و دیگران نیز با او هم صدا شدند کلیه آنان کافر و از اسلام خارج می گردند و مصداق آیه "كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ" قرار نمی گیرند لذا در آن لحظه چه کسی مصداق این آیه بود آیا آنان حلت نکاح موقت را بیان داشتند یا خیر و چرا سکوت را اختیار نمودند، سومین احتمال نیز مردود و منتفی است زیرا که امکان ندارد صحابه از حلت و حرمت آن اطلاع نداشته باشند اگر واقعاً همچون نکاح دائم حلال می بود کلیه صحابه از آن مطلع می گشتند زیرا که

این در آن صورت جزو ضروریات و نیازهای آنان بود و هرگز آنان از ضروریات و نیازهای خود غافل و بی خبر نبوده اند.

علامه ابوالفتح مقدسی در کتاب تحریم نکاح المتعه در صفحه ۷۷ چنین می نویسد:

با توجه به اینکه عمر -رضی الله عنه- بر منبر حرمت نکاح موقت را بیان داشته اند و بر عاملین و مرتکبین آن جرم سنگین را گذاشته اند دلیل بر این است که نکاح موقت در زمان پیامبر حرام گردیده است و صحابه نیز آن را پذیرفته اند و هیچ یک از مهاجرین و انصار به مخالفت با او نپرداخته است و این در حالی اتفاق افتاده است که برخی از صحابه همچون ابی بن کعب در حرمت حج تمتع و معاذ بن جبل در فتوای رجم زن حامله با او به مخالفت پرداخته اند و دموکراسی و آزادی در دور خلافت او به اوج خود رسیده بود لذا اگر ایشان از جانب خود آن را نهی و حرام می کردند صحابه با او به مخالفت می پرداختند علاوه بر نهی حرمت عمر -رضی الله عنه- عده کثیری از راویان و صحابه حرمت نکاح موقت را بیان داشته اند که در اینجا به برخی از آن روایات اشاره می شود:

۱- از حضرت حسین بن محمد بن علی و برادرش عبدالله روایت شده است که حضرت علی به ابن عباس فرمودند:

آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- از متعه و گوشت الاغ در جنگ خیبر نهی فرمودند.

(فتح الباری ۱۶۶/۹)

۲- از حضرت ایاس بن سلمه روایت شده است که ایشان از پدر خویش

نقل می نمایند که آن حضرت در سال او طاس نکاح متعه و موقت را جایز و پس از آن نهی کردند.

(مسلم به شرح نووي 184/9)

۳- از حضرت ربیع بن سبره الجهنی روایت شده است که ایشان می فرمایند پدرم به من گفت من به همراه آن حضرت بودم که ایشان فرمودند: ای انسانها من قبلاً به شما نکاح موقت و متعه را اجازه داده بودم و امروز خداوند متعال آن را تا قیامت حرام گردانده است و هر کسی که زنی را به صورت نکاح موقت و متعه ازدواج کرده است رها نماید و از آن چیزی تحویل نگیرد.

(مسلم 186/9)

۴- از عبدالملک بن ربیع بن سبره جهنی روایت است که ایشان از پدرشان روایت می کنند که ایشان فرمودند: آن حضرت در سال فتح مکه نکاح موقت را هنگامی که داخل شهر مکه شدیم جایز قرار دادند و هنوز از آن شهر خارج نشده بودیم که ما را از آن نهی کرد.

(مسلم 187/9)

۵- از ربیع بن سبره ی الجهنی روایت است که ایشان از پدرشان روایت می کنند که آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: بدانید و آگاه باشید که نکاح موقت و متعه از امروز به بعد تا روز قیامت حرام گردیده است.

(مسلم 189/9)

۶- از عبدالرحمن بن نعیم الأعرجی روایت است که ایشان می فرمایند: شخصی از حضرت عبدالله بن عمر درباره نکاح موقت پرسیدند ایشان بسیار خشمگین و ناراحت شدند و فرمودند قسم به ذات باریتعالی ما در زمان

پیامبر زناکار و افراد بد کردار نبودیم.

(الفتح الرباني للساعاتي 191/16)

۷- از حضرت موسی بن ایوب روایت است که ایشان از عمویش علی و او از حضرت علی بن ابی طالب نقل می کنند که آن حضرت فرمودند: نکاح موقت ابتداء برای کسانی جایز بود که ثروتی نداشتند و هنگامی که حکم نکاح دائم، طلاق و میراث در میان زوجین بیان شد حکم نکاح موقت منسوخ گشت.

(دارقطني 259/3)

۸- از حضرت ربیع بن سبره روایت است که ایشان از پدرشان نقل می کنند که ایشان فرمودند: ما به همراه آن حضرت در سال حجه الوداع از شهر مدینه خارج شدیم تا اینکه به مکان عسفان رسیدیم که آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: حج عمره با حج مفرد آمیخته شده است در این لحظه حضرت سراقه فرمودند: ای رسول خدا به ما مانند نوآموزان تعلیم بده گویا ما امروز به دنیا آمده ایم و از هیچ چیز خبر نداریم عمره فقط مخصوص امسال است یا اینکه تا ابد و برای همیشه خواهد بود آن حضرت فرمودند: تا روز قیامت و برای همیشه است هنگامی که به مکه رسیدیم به طواف بیت الله و سعی صفا و مروه مشغول شدیم و پس از آن به عقد نکاح موقت به ما دستور (اجازه) دادند و برای روزهای مشخصی ازدواج صورت گرفت که من و یکی از دوستان روزی برای ازدواج موقت از منزل بیرون رفتیم و در نزدیک زنی خود را برای عقد موقت معرفی کردیم آن زن به قتیفه های (چادرهای) هر دویمان نکاح کرد قتیفه او از قتیفه من بهتر بود ولی من جوانتر بودم او مرا در قبال قتیفه ای که به او دادم انتخاب و با من به ازدواج موقت راضی گشت آن شب در نزد او بودم و هنگام صبح برای ادای نماز صبح به مسجد رفتم آن

حضرت -صلی الله علیه وسلم- پس از نماز صبح بر روی منبر رفت و چنین به ایراد سخنرانی پرداخت: هر شخصی که با زنی عقد نکاح موقت بسته است بهای آن را پردازد و هرگز به نکاح موقت روی نیاورد زیرا که خداوند متعال آن را برای همیشه بر شما حرام گردانده است.

(مصنف عبدالرزاق 504/7 ، سنن بیهقی 203/7)

تابعین نکاح موقت را زنایی بیش نمی دانستند علامه سعید بن منصور در سنن خویش در صفحه ۲۱۱/۱/۳ از حضرت عروه ی بن زبیر چنین نقل می کند: حضرت عروه بن زبیر از نکاح موقت نهی می کردند و می فرمودند: نکاح موقت و متعه زنایی بیش نیست ابن ابی شیبیه در مصنف خود در صفحه ۲۹۳/۴-۲۹۴ از حضرت هشام بن الغاز چنین نقل می کند که ایشان فرمودند: من از حضرت مکحول شنیدم که ایشان درباره ی شخصی که مبتلا به نکاح موقت شنیده بود گفت: ایشان زنا کارند.

باز هم روایتی دیگر در مصنف ابن ابی شیبیه در صفحه ۲/۷-۲/۵۰۳/۵۰۲ از حضرت عمر -رضی الله عنه- نقل شده است که می فرماید: قاسم بن محمد فرمودند بنا به آیه کریمه الهی نکاح موقت حرام گردیده است و برای حرمت آن آیه "وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (5) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ" را قرائت نمودند.

ترجمه: و آنان که ایشان شرمگاه خود را نگاه دارند گانند مگر بر زنان یا کنیزان خود.

علامه خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد در صفحه ۱۹۹/۱۴ و علامه ابن خلکان در کتاب وفيات الأعیان در صفحه ۱۹۹/۵ نظریه قاضی فقیه یحیی بن اکثم را چنین نقل می نماید: ما به همراه مامون در مسیر جاده شام بودیم

که ایشان با آواز و ندای بلند به حلت متعه ابراز نظر نمودند یحیی بن اکثم به من و ابی العینا گفت: صبح زود نزد او بروید و اگر مناسب دانستید با او سخن بگویید و حرمت متعه را بیان دارید و الا تا زمان تشریف فرمایی من سکوت را رعایت فرمایید، ما نزد او رفته و او را در حالت خشم یافتیم بنابراین تا رسیدن یحیی بن اکثم سکوت را اختیار نمودیم تا اینکه حضرت یحیی ابن اکثم تشریف آوردند و به همراه او در مجلس مامون نشستیم مامون به حضرت یحیی گفت: چرا رنگت پریده است و چرا ناراحت به نظر می آید؟ حضرت یحیی در پاسخ فرمودند: به خاطر بدعتی که رایج می شود ناراحت هستم آن قضیه مرا پریشان کرده است مامون از او پرسید: آن بدعت چیست؟ ایشان فرمودند: آن حلت نکاح موقت و دستور به انجام آن است که در حقیقت آن زنا صریحی است.

مامون گفت: متعه زنا است؟ حضرت یحیی فرمودند آری متعه زنا صریحی است سپس مامون از او پرسید: شما این فتوی و نظر را از کجا می گوید؟ ایشان فرمودند: خداوند متعال آن را در سوره مبارکه مومنون حرام قرار داده اند آن جایی که می فرمایند: "فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ".

ترجمه: پس هر که طلب کند سوای این دو (زن و کنیز) آن جماعت از حد گذرند گانند. سپس از مامون پرسیدند نکاح موقت و آن زنی که توسط نکاح موقت صیغه شده است جزو ملک یمین است؟ ایشان گفت: خیر سپس از وی پرسید آیا جزو ازواج است که زاد و ولد از او صورت می گیرد و نسب ثابت و میراث برقرار می گردد؟ ایشان گفتند: خیر سپس فرمودند پس ایشان متجاوز حدود الهی اند و سخن را ادامه داده فرمودند: امام زهری از عبدالله و حسن دو فرزند محمد ابن الحنفیه و ایشان از محمد بن علی و او از

حضرت علی چنین نقل می نمایند که حضرت علی فرمودند: آن حضرت به من دستور دادند تا با صدای بلند به مردم بگویم که نکاح متعه حرام و ناجایز است سپس مامون به سوی ما نگاه کرد و گفت: آیا این روایت در احادیث مامون یافته می شود ما گفتیم آری ای امیرالمومنین این روایت وجود دارد مامون پس از آن استغفار کرد و دستور به نهی نکاح موقت دادند، از آن چه تاکنون گفته شده بود این مطلب به اثبات می رسد که نهی و حرمت نکاح موقت از طرف حضرت امیرالمومنین عمر بن الخطاب صورت نگرفته است بلکه خداوند متعال آن را نهی و حرام گردانده است ولی روافض می گویند حضرت عمر او را حرام گردانده است چنان چه در کتابهایشان روایات جعلی متعددی را نقل نموده اند می گویند: هنگامی که حضرت عمر در نزد خواهرش عفرات تشریف آوردند کودکی را در بغل و دامان خواهرش یافتند که از آن شیر می نوشید کودک را گرفته و به سرعت به مسجد آمدند و ندای الصلاه جامعه را سر دادند مردم نیز در آن لحظه به مسجد تشریف آوردند ایشان بر منبر رفته و به ایرای سخنرانی پرداختند و فرمودند: ای گروه مهاجرین و انصار و ای اولاد فرزندان قحطان کیست از شما که مرتکب عمل زنا شود و صاحب چنین فرزندی گردد عده ای از مردم گفتند ما آن روز دوست نداریم آیا شما نمی دانید خواهرم عفرات بنت ختمه هنوز ازدواج نکرده است ایشان گفتند: آری. وی گفت من بر او داخل شده و به منزلش رفتم که ناگهان این طفل و کودک را در دامانش یافتم از او پرسیدم این کودک را از کجا و چگونه آورده ای او گفت من متعه کرده ام بدانید و آگاه باشید ای مسلمانان متعه و نکاح موقتی که در زمان پیامبر اکرم حلال بوده است من آن را حرام می گردانم و هر کسی که مرتکب آن شود او را با شلاق خواهم کوبید هیچ کسی از افراد بر او خرده نگرفت و سخنان او را رد نکردند بلکه

در مقابل سخن او سر تسلیم فرود آوردند و به آن رضایت دادند.

(بحار الانوار مجلسی ج 53 ص 28-29)

تشیع با این روایت معتقد است که حضرت عمر بنا به رای و نظر خویش نکاح موقت را به خاطر مسئله شخصی حرام گردانده است این روایت از جهات مختلفی مردود است به بخشی از آن می پردازیم. در هیچ کتابی از کتابهای تاریخ و تراجم نقل نشده است که حضرت عمر خواهری بنام عفراء داشته باشد خواهران او به نامهای صفیه و امیمه بوده اند که از ختتمه دختر هاشم بن مغیره بن عبدالله بن مخزوم می باشند.

عجب تر و تمسخر تر از آن روایات و داستانهایی است که ابراهیم موسوی در کتاب حدائق الأنس نقل می نماید: او در کتاب حدائق الأنس در صفحه ۲۱۰ چنین می نویسد:

محمد علی قاضی تبریزی از امام صادق نقل می نماید: سبب تحریم نکاح موقت این است که عمر در نزد خواهرش خضره طفل کوچکی را یافتند که در نزد او وجود داشت او خشمگین شده از او پرسید این فرزند را از کجا آورده ای او گفت: از نکاح موقت است بنابراین حضرت عمر آن را حرام گرداند.

روایات متعددی نقل کرده اند که در یک روایت عفراء، در روایتی خضره و در روایتی صفراء و در روایتی آن را به نام زرقاء معرفی کرده اند و این دال بر این است که کلیه این روایات جعلی و کاذبانه است.

از آقای موسوی هیچ گونه انتظاری نباید داشت زیرا که ایشان به آیات الهی توهین نموده و آن را استهزاء می نماید وی در صفحه ۲۱۰ کتاب خویش

در قالب لطیفه چنین می نویسد:

هارون الرشید کنیزی را خریداری کردند و هنگامی که آن کنیزک در مقابل وی قرار گرفتند از او پرسیدند آیا از آیات الهی نیز چیزی بلد هستید آن کنیز گفت آری هارون الرشید پرسید آیا می دانی آیه "فَاسْتَعْلَظْ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ" در چه سوره ای است او گفت آری آخر سوره فتح است و خواند "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا" و در کنار آن حل سراویلها را اضافه نموده و قرائت کردند هارون الرشید خوشحال شده و او را از نزدیکان و خواص خویش قرار دادند.

و آیا ممکن است که زنی که هنوز ازدواج نکرده حامله شود و خانواده آن تا وضع حمل اطلاع نیابند؟

و در صورت اطلاع چنین خبری را در جمع عمومی اعلان کنند؟ آیا عقل چنین چیزی را می پذیرد؟

ای رافضی خبیث النفس آیا به خدا و آیات الهی تمسخر می نمایی؟ و آیا ارزش آیات الهی این قدر پایین و بی ارزش شده اند که آنها را این گونه به تمسخر می گیری بنابراین هرگز از شما نباید تعجبی داشت که چنان دو زبان و بهتانی را ببندید زیرا که شما قرآن الهی را نمی شناسید و آن را ندیده اید و منتظر صحیفه آینده هستید که آن را مهدی منتظر به همراه می آورد؛

قوم اذا استنبح الأضياف كلبهم قالوا لأهمهم بولى على النار

فضیقت فرجها بخلا بیولتها فلا تبول لهم الا بمقدار

اینها کسانی هستند وقتی سگشان بر میهمانان به صدا در بیاید به مادرشان

می گویند که بر آتش ادرار کن (تا میهمانان با روشنی آتش ما را نبینند) پس نگاه می دارد مادر عضو مخصوصش (فرجش) را و نمی شاشد برای آنها مگر به اندازه.

در روایتی دیگر در کتابهای شیعی سبب تحریم متعه توسط حضرت علی جریان دیگری را نقل کرده اند، آقای جزایری در کتاب الانوار النعمانیه صفحه ۳۲۰/۲ چنین می نویسد: روایتی نقل شده است در علت تحریم متعه توسط (حضرت) عمر، که ایشان شبی حضرت علی بن ابی طالب را به منزل خودش فرا خواندند صبح زود (حضرت) عمر سر را از پنجره منزل بیرون برده و به صورت اعتراض به (حضرت) علی گفت: شما معتقد بودید که مرد نباید شب را به تنهایی بدون زن بگذراند و شما دیشب، شب را به تنهایی سپری کردید حضرت علی بن ابی طالب گفت: شما از کجا خبر دارید که من دیشب تنها بوده ام؟ من دیشب خواهرت را متعه نمودم و او نزد من بوده است.

ایشان این سخن را مخفی داشته و به همان علت نکاح متعه را حرام قرار دادند، این روایت بنا به چند دلیل مردود است:

اولا: این روایت توسط موسوی زنجانی در کتاب حدائق الأنس مردود شمرده شده است،

ثانیا: این روایات بر علیه تشیع است زیرا که توسط آن حضرت علی خائن معرفی می شود چنان خائنی که به مکرم و صاحب منزل احترام نمی گذارد و به او اهانت می کند؛

ثالثا: چگونه امکان دارد که حضرت عمر با حضرت علی عداوت و دشمنی داشته باشد و دشمن خود را به منزل دعوت نماید و حضرت علی در

نزد دشمن برود و ضیافت او را بپذیرد.

عداوت و دشمنی تشیع با حضرت عمر بن الخطاب به حدی رسیده است که هیچ چیزی را مراعات نمی نمایند و بر خلاف منطق و شعور عقلانی داستانهای جعلی زیادی را ساخته و پرداخته اند و بوسیله آن به زعم خویش مقام و مکانت حضرت عمر را می کاهند، غافل از آنکه به مقام و منزلت او افزوده خواهد شد یکی از داستانهای دروغین آنان را که در اینجا به بخشی از آن اشاره می شود ذکر می نمایم از ولید امین ابوالمبارک احمد بن محمد بن اردشیر روایتی نقل شده است که می گوید: که هیبه الله از احمد ابن اسحاق و او از فقیه حسن سامری روایت می کند که من و یحیی ابن احمد به قصد منزل احمد بن اسحاق قمی رهسپار شهر قم شدیم پس از آنکه به شهر قم رسیدم دروازه ی درب او را کوبیدم ناگهان کنیزکی عراقی در را باز کرد احوال شیخ را از او پرسیدیم گفت: او بسیار مشغول است و امروز روز عید است ما به او گفتیم سبحان الله اعیاد چهار اند:

۱- عید فطر

۲- عید اضحی

۳- عید غدیر

۴- جمعه

آن کنیزک گفت: سرورم احمد بن اسحاق روایتی نقل کرده است که امروز روز عید است و این عید در نزد اهل بیت بر بقیه اعیاد برتری دارد به او گفتیم: برو نزد شیخ و اجازه ی ملاقات ما را با او بگیر.

گفت: او هم اکنون از نزد ما در حالی که غسل کرده بود خارج گشت و در نزد مولایم ابوالحسن عسکری رفت و راجع به عید امروز روز نهم ربیع الاول از او پرسید و او نیز آن عید را تایید فرمود.

و در روایتی دیگر نقل شده است که حضرت حذیفه در چنین روزی نهم ربیع الاول بر آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- وارد شدند حضرت حذیفه می فرمایند حضرت علی و دو فرزند او حسن و حسین را دیدم که به همراه آن حضرت مشغول خوردن چیزی هستند و با یکدیگر تبسم می زنند و آن حضرت به آنان می گوید: بخورید و خوشحال باشید امروز روز خوشبخت و نیکی برای شما است که در آن خداوند متعال دشمنان خود و دشمنان شما را و دشمنان جدتان را می ستاند و در آن روز دعای مادرتان پذیرفته می شود زیرا که آن روزی است که در آن شوکت و دبدبه مبغضین جد شما و ناصران دشمنانتان می شکند، بخورید آن روزی است که فرعون و هامان زمان اهل بیت من از دنیا خواهند رفت و در آن روز خداوند شما را خوشحال و قلبتان را مالامال از شادی می نماید، حذیفه فرمود من گفتم ای رسول خدا چه کسی از امت و اصحاب شما این حرمت را می شکند؟ آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: گروهی از منافین بر اهل بیت ظلم می نماید و امت را به ریاء و تظاهر و خود پسندی دعوت می دهد اموال بیت المال را تصاحب و در امور خویش صرف می نمایند و بر خود ریاء می اندازند و امت را گمراه می سازند سنت مرا و کتاب الهی را تغییر و تبدیل می دهند و ارث مرا غضب و مرا تکذیب می نمایند و به تکذیب و مخالفت با برادر و وحی و جانشین و دامادم می پردازند و حق دخترم را غضب آن را نادیده می گیرند حضرت حذیفه -رضی الله عنه- فرمودند: من گفتم ای رسول خدا از خدا بخواه که مرا در حیات شما هلاک بگرداند ایشان فرمودند: ای حذیفه من دوست ندارم که

حرمت الهی را بشکنم ولی از خداوند می خواهم که فضیلت و برتری این روز را بیشتر نماید و آن را سنت و روش خوبی برای احباب و دوستان من قرار دهد در این لحظه بود که خداوند متعال به آن وحی کرد: ای محمد در علم و تقدیر من مشکلات و مصائب اهل بیت ثبت گردیده است و در آن ظلم منافقین و معذبین بر خانواده و خواصان شما نیز درج گردیده است و من به حول و قدرت خویشتن آن را بر غاصبین حق حضرت علی و وحی شما آشکار خواهم کرد و آنان را به عذاب الیم و دردناک گرفتار خواهم کرد و آنان را با ابلیس محشور می گردانم و به همراه ابلیس برای همیشه در جهنم قرار می دهم، ای محمد من از آن کسی که بر من افتراء و بهتان می بندد و با من شریک می گیرد، انتقام می گیرم و در آسمانها برای محبان و شیعیان شما فرشتگانی را مقرر کرده ام و برای آنان طلب استغفار نمایند ای محمد به ملائکه کاتبین گناهان و ثوابها دستور داده ام که در این روز و سه روز بعد از آن قلم عفو بر گناهان کشند و هیچ عملی را ثبت نمایند ای محمد این روز روز عید شما و خانواده و اهل بیت شما است و آن عید بزرگی است برای شیعیان و محبان شما به عزت و جلالم قسم که اگر کسی در این روز بر خانواده اش آسان بگیرد و بر آنان خرج نماید در مال و جان و عمر او برکت می اندازم و او را از عذاب خویش مصون و محفوظ می دارم سپس آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- بر خاستند و در منزل ام سلمه داخل شدند.

(الانوار النعمانیة - نعمت الله جزایری 108/1 تا 111)

فهرست

نکاح موقت از دیدگاه اهل بیت

پس از آن که نظریه صحابه بزرگوار و گرانقدر آن حضرت -صلی الله

علیه وسلم- را پیرامون نکاح موقت ایراد کردیم می طلبد تا موقف اهل بیت و خاندان آن حضرت را پیرامون نکاح موقت نیز مطرح سازیم، احادیث و روایاتی را که در کتابهای تشیع ذکر شده است را با ذکر حواله و سند روایات نقل می نماییم:

۱- عالم بزرگ شیعی همچون طوسی در کتاب التهذیب ۱۸۶/۲ والاستبصار ۱۴۲/۳ والحر العاملی در کتاب وسائل شیعه ۴۴۱/۱۴ نقل می نمایند: از زید بن علی روایت است که ایشان از پدرانشان و آنان نیز از حضرت علی نقل می کنند که ایشان فرمودند: پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- در روز فتح خیبر گوشت الاغ و نکاح موقت و متعه را حرام گرداندند.

مسئله بسیار عجیب و شگفت آوری که هر عالمی پس از این روایت در کتاب خویش نقل کرده است و با خواندن آن هر انسان عاقلی پی به بطلان توجیه و تاویل او می برد، این است که این روایت را بر تقیه حمل نموده است ولی هیچ انسان عاقلی با این توجیه موافق و قانع نمی شود زیرا که در آن لحظه هیچ گونه نیازی به تقیه نبوده است و علاوه بر آن راویان کثیر دیگری نیز از او در مواضع متعدد و گوناگونی روایاتی که دال بر حرمت متعه هستند را نقل نموده اند، اگر در اخبار و روایات تشیع بنگریم و آنها بدون ضرورت و نیاز حمل بر تقیه نماییم در آن صورت دین و مذهب تشیع مذهبی باطل، مشکوک و متردد می گردد زیرا که در پذیرش روایات به مشکل بر می خورند و کلیه اقوال و روایات آنان جنبه یقین و شک را به خود می گیرد که ترجیح آن بر صاحبانش مشکل می گردد چون احتمال دارد یک سخن هم یقینی باشد و هم با تقیه ذکر شود.

۲- محمد بن یعقوب کلینی در کتاب الکافی روایتی را از علی بن یقین

نقل می کند که ایشان از حضرت علی بن ابی طالب درباره حلت و حرمت نکاح موقت و متعه پرسیدند ایشان (حضرت علی) در جوابشان فرمودند: شما به آن هیچ نیازی ندارید خداوند متعال به وسیله نکاح دائم شما را از آن مستغنی گردانده است.

(الفروع من الکافی 43/2 ، وسائل الشیعه 449/14)

در روایتی دیگر از امام جعفر صادق چنین نقل می کنند که ایشان فرمودند: من بر آن فرد مسلمانی که در طول حیات و زندگی اش متعه ننماید بسیار خشمگین و ناراحت می شوم.

(بحار الانوار 299/100)

اگر به هر دو روایت که به نظر آنان توسط معصومین نقل شده اند بنگریم در می یابیم هر دو روایت به طور کلی با یکدیگر متفاوت و متضاد هستند در روایتی یک امام از آن نهی و در روایتی دیگر یک امام دیگر آن را دستور و به آن تشویق می نماید و علاوه بر آن از امام جعفر صادق نظر دیگری را که مخالف با این نظر است را این گونه نقل می کنند که ایشان به یاران و اصحابی که مرتکب نکاح متعه می شوند می گفت: آیا شما شرم و حیا نمی کنید که مرتکب چنین عملی شده اید!

۳- در روایتی که هشام بن حکم آن را از ابی عبدالله نقل می کند چنین می فرماید: که حضرت ابو عبدالله فرمودند:

زنان فاجره و فاسقه مرتکب نکاح موقت می شوند و زنان پاکدامن و محصنه از آن پرهیز می نمایند.

(بحار الانوار 318/100 و السرایر 483)

۴- در روایتی دیگر که توسط عبدالله بن سنان نقل شده است چنین وارد شده است که ایشان می فرمایند از حضرت ابو عبدالله درباره ی نکاح موقت پرسیدم ایشان فرمودند: خود را با آن چرکین و کثیف نگردان.

(بحار الانوار 318/100 ، السراير 66)

امام جعفر صادق فقط به زجر و توبیخ مرتکبین نکاح موقت اکتفا ننموده اند بلکه تحریم آن را نیز بیان داشته.

۵- در روایتی که از حضرت عمار نقل شده است ایشان می فرمایند حضرت ابو عبدالله بر من و سلیمان بن خالد متعه را حرام گردانند و فرمودند: من متعه را بر شما حرام گردانده ام.

(فروع کافي 48/2 و مسائل شيعه 450/14)

چگونه امکان دارد که امام جعفر صادق معتقد به حلت نکاح موقت باشد ولی آن را بر اصحاب و یاران خویش حرام گرداند! چگونه ممکن است که ایشان آن را با وجود روایات متعدد دیگری که دال بر حلت آن را بر اصحاب خویش نهی و حرام گرداند، تشیع روایات دیگری را که به شرح ذیل اند نهن از او نقل نموده اند:

۱- هر فرد و شخصی که ازدواج موقت نماید و سپس غسل نماید خداوند متعال با هر قطره ی آبی که از آن می چکد هفتاد فرشته می آفریند که تا روز قیامت برای او طلب مغفرت می نمایند و بر پرهیز کنندگان از نکاح موقت تا قیامت لعنت و نفرین می فرستند.

(وسائل شيعه 444/14)

۲- در روایتی دیگر سائلی از امام جعفر صادق پرسیدند: نظریه شما

درباره ی نکاح موقت چیست؟ ایشان فرمودند: خداوند آن (نکاح موقت) را در قرآن و پیامبرش در احادیث را حلال گردانده اند و تا روز قیامت متعه جایز و حلال است سائل به امام جعفر صادق روی گرداند و گفت: آیا شما نیز چنین سخنی را می گوئید در حالی که حضرت عمر از آن نهی کرده اند امام جعفر صادق فرمودند ولو اینکه ایشان نهی و تحریم کرده اند من آن را جایز می دانم که آنچه پیامبر فرموده حق است و آنچه دوست (عمر) گفته باطل است.

سائل گفت: پناه بر خداوند که حضرت عمر چیزی را حرام و شما آن را حلال گردانید امام جعفر صادق فرمود: شما نظریه او را بپذیرید و من نظریه پیامبر و اهل بیت را می پذیرم بیا تا با شما در نزد خدا ملاعنه نمایم.

در این لحظه عبدالله بن عمیر به امام جعفر صادق گفتند: آیا شما نکاح موقت را برای زنان، دختران، خواهران و دختر عمه هایت می پذیرید؟
در این لحظه امام جعفر صادق از آن رویگردان شدند.

(فروع کافی 42/2 التهذیب 186/2)

اگر واقعا متعه حلال و جایز بود و دارای ثواب کثیر و زیادی که ملک از آن آفریده می شود بود پس چرا امام جعفر صادق به آن تن ندادند و بر اهل و خاندان خویش آن را نپسندیدند آیا او نمی خواست تا خاندان او به آن ثواب برسد و آیا او از رسیدن آنان به آن ثواب ناراحت می شد پس چرا آن را نپسندیدند علاوه بر انکار امام جعفر صادق امام رضا نیز آن را بر اصحاب خویش نهی و حرام گردانده و آنان را از ارتکاب نکاح موقت باز داشتند.

۳- از محمد بن حسن بن شمون روایت است که ایشان می فرمایند امام

ابوالحسن به موالی خویش نوشتند: متعه و ازدواج موقت را حلال نگردانید و به سنت پیامبر که همان نکاح دائم است مشغول شوید و توسط نکاح موقت خانواده هایتان را ناراحت نگردانید که ما را نفرین نمایند.

از مجموعه ی روایات گذشته حرمت نکاح موقت به اثبات می رسد که حتی اهل بیت و ائمه نیز آن را در طی روایات گوناگونی که برخی در اینجا درج گردید حرام گردانده اند و حرمت ازدواج موقت راهی به سوی زندگی و ازدواج دائم است اگر جوانان هر روز به ازدواج موقت مشغول گردند و به راحتی غریزه ی شهوانی خویش را دفع نمایند نیازی به ازدواج دائم نمی یابند و می توانند غریزه های جنسی و شهوانی خویش را در روزهای متفاوت با خانمهای گوناگون دفع نمایند که این بسیار زشت و ناپسند است که زشتی آن بر هر انسان عاقل و دانایی آشکار است ولی اهل تشیع به خاطر مخالفت و عنادی که با صحابه و ائمه دارند به آن روی آورده اند، اینک به نقد و بررسی روایاتی می پردازیم که تشیع توسط آن حلت و جواز متعه را صادر نموده اند لازم به ذکر است که نقد و بررسی روایات را از کتابهای رجال شیعه مورد بررسی قرار می دهیم.

فهرست

بررسی روایات

اولین روایتی که تشیع از آن بر حلت متعه استدلال می نمایند این است که می گویند:

مفضل بن عمر از امام جعفر صادق پرسیدند نظریه شما پیرامون نکاح موقت چیست؟

ایشان فرمودند: متعه بنا به آیه کریمه ی الهی زیر حلال و جایز است:
"وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكُنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ
عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا
مَعْرُوفًا"

اولاً: اگر به سند روایت به دقت بنگریم در می یابیم که این روایت توسط
مفضل بن عمر که در نزد علمای شیعه فردی غیر معتبر و حتی از غلات
خطابیه نیز است نقل شده است لذا روایت فاقد اعتبار است علمای شیعه
درباره ی این راوی سخنان زیادی را گفته اند که در اینجا به نظریات برخی از
آنها اشاره می شود.

(۱) نجاشی در کتاب رجالش در صفحه ۲۹۵ درباره ی مفضل بن عمر ابو
عبدالله چنین می نویسد: کوفی فاسد المذهب مضطرب الروایه لایعبا به و قیل:
انه کان خطابیا و قد ذکر له مصنفات لا یعول علیها.

او فردی کوفی است که دارای نظریات و مذهب فاسد و مضطرب الروایه
است که هرگز روایات او اعتبار و ارزش ندارد و برخی معتقدند که او فردی
خطابی است که مصنفات او هرگز معتبر نیستند.

(۲) ابن غضائری درباره ی مفضل بن عمر ابو عبدالله چنین می گوید:
ضعیف متهافت مرتفع القول خطابی و قد زید علیه شیء کثیر و حمل الغلاه
فی حدیثه حملاً عظیماً و لا یجوز ان یکتب حدیثه.

(معجم رجال الحدیث ابوقاسم خوي 293/18)

او فردی ضعیف الاحوال و متروکی است که اقوال او فاقد اعتبار است که
غلات از او روایت زیادی را نقل می نمایند که کتابت آن احادیث هرگز جایز

نیست.

۳) حسن بن علی بن داود حلی در کتاب رجالش در صفحه ۵۶ چنین می نویسد: ضعیف متهافت خطابی او فردی ضعیف الاحوال و متروکی است که از گروه خطابه می باشد.

۴) کشی در کتاب رجال خویش در صفحه ۲۷۸-۲۷۲ درباره ی او چنین می نویسد: انه من الغلاه و انه لم تثبت روايه في مدحه بل انه ملعون علی لسان ائمه. او از غلاتی است که هیچ گونه روایتی در مدح و ستایش او وارد نشده است بلکه او توسط ائمه نیز ملعون و نفرین شمرده شده است.

۵) محمد علی اردبیلی در کتاب جامع الرواه ۲/۲۵۸ می نویسد: الأولى عدم الاعتماد والله اعلم بحاله.

اولی و افضل این است که روایات او روایات غیر متعمد و غیر موثق است.

۶) امام جعفر صادق در روایتی که از حماد بن عثمان نقل شده است مفضل بن عمر الجعفی را چنین خطاب می نماید:

یا کافر یا مشرک! مالک ولابنی.

ای کافر و ای مشرک، شما را با فرزندم (اسماعیل بن جعفر) چه کار است؟ امام جعفر صادق این راوی را کافر قلمداد نموده است و روایت کفار فاقد اعتبار است.

۷) از اسماعیل بن جابر روایت است که امام جعفر صادق به مفضل بن عمر چنین خطاب نمودند: انت المفضل و قل له یا کافر یا مشرک ما ترید الی

ابنی ترید ان تقتله. ای کافر و ای مشرک از فرزندم چه می خواهی آیا می خواهی او را به قتل برسانی؟.

(رجال الکشي 274 تنقيح المقال 241/3)

ثانيا: مفضل بن عمر یکی از افرادی است که به نماز و امور ضروری دین اهمیت نمی داد از معاویه بن وهب و اسحاق بن عمار روایت است که ایشان می فرمایند ما برای زیارت امام حسین خارج شدیم و گفتیم با خود مفضل بن عمر را به همراهی ببریم نزد او رفته و او را نیز با خود بردیم، در بین راه چهار فرسخی کوفه فجر طلوع کرد و ما نماز صبح را ادا نمودیم ولی مفضل ایستاد و نماز را ادا نکرد وقتی که از او پرسیدیم چرا نماز نمی خوانی به ما گفت من قبل از آمدن شما در منزل نماز خوانده بودم.

وی دارای عقاید بسیار شیعی و زشت دیگری همچون به شهادت نرسیدن امام حسین و پرواز او به آسمانها و عدم ازدواج حضرت عمر با ام کلثوم بنت علی است.

فهرست

مرویات مفضل بن عمر در کتب اربعه

مرویات مفضل بن عمر در کتب اربعه تشیع به تعداد ۱۰۶ روایت می رسد که کلیه آن روایات توسط راویانی که اسامی آنان در ذیل درج می گردد نقل و ثبت شده اند.

۱- از او صاحب کتاب الفقیه در صفحه ۸۴۲-۴۳۸ جلد اول، و صفحه ۳۱۳، ۲۴۱ و ۱۱۹ جلد دوم، صفحه ۸۶۹ جلد چهارم و صاحب کتاب التهذیب

صفحه ۱۴۲ در جلد دوم نقل نموده است.

از او ابوسعید خبیری در الکافی ج ۱ ک ۲ ب ۱۷ ح ۱۱ روایت نقل کرده است.

۲- ابن رباط در التهذیب ۱۰۳/۲ الاستبصار ۹۲۴/۱ ابن سنان در کافی ج ۵ ک ۳، ۹۶ ج ۴، ابراهیم بن خلف بن عباد الانماطی در کتاب الکافی ج ۱ ک ۴ ب ۸ ج ۱۱، ابراهیم بن هاشم در کتاب الکافی ج ۲ ک ۲ ب ۴۹ ج ۱۱ - اسحاق بن عیسی در الکافی ج ۲ ک ۱ ب ۱ ک ۲ ب ۱۰۷ ج ۲۱، بشر بن جعفر در الکافی ج ۱ ک ۴ ب ۳۷ ج ۵، بکار بن کردن در الکافی ج ۱ ک ۳ ب ۲۹ ج ۳، جعفر بن بشیر در الکافی ج ۲ ک ۱ ب ۹۹، ۲۳، و راویان دیگری از او نقل روایت کرده اند که در صفحه ۶۰-۵۹-۵۸ کتاب الشیعه و المتعه نوشته محمد مال الله مذکور اند برای کسب اطلاع بیشتر به آنجا مراجعه نمایید.

دومین روایتی که از آن بر حلت نکاح موقت استدلال می نمایند روایتی است که توسط ابوبصیر نقل شده است که ایشان می فرمایند: از حضرت ابوجعفر درباره ی حلت و حرمت نکاح موقت و متعه پرسیدم! ایشان فرمودند: در قرآن آیه "فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ".

گویا حضرت ابوجعفر از این آیه بر حلت متعه استدلال نموده و آن را قرائت فرمودند- اگر به دقت به سند این روایت بنگریم در می یابیم که راوی آن ابوبصیر است که در نزد تشیع در روایتهای آنان ابوبصیر کینه چهار نفر ذکر شده است که آن چهار نفر عبارتند از:

- یحیی بن القاسم.

- لیث البختری که در این روایت او راوی حدیث است.

- عبدالله بن محمد الأسری.

- حماد بن عبدالله بن اسید الهروی.

اسم ابوبصیر در کتابهای رجال به نام ابوبصیر لیث بن البختری المرادی نقل شده است چنانکه در کتاب الرجال الکشی در صفحه ۱۵۱ آن را با اسم و کنیه یادآوری نموده است، این راوی کسی است که به ائمه اتهام وارد نموده است و درباره ی آنان مخصوصاً ابو جعفر می گوید: اگر دنیا به سوی آنان می رفت آن را با دندانهای نواجذ می گرفتند.

از ابن ابی یعفور روایت شده است که ایشان می فرمایند من به همراه جماعتی که در بین آنان ابو بصیر بود برای ادای حج خارج شدم و به ابو بصیر گفتم: از خداوند بترس و با مال خودت برای ادای حج برو زیرا که شما دارای ثروت زیادی هستی و از آن استفاده نما، نه از مال دیگران ایشان در جواب من به من گفت: اگر دنیا به سوی صاحب تو (امام جعفر) بیاید او را با رداء خود جمع آوری می نماید.

ایشان چنان فردی بودند که همیشه امام جعفر صادق را به تمسخر و استهزاء می گرفتند و او را فردی طماع و دنیا دوست معرفی می نمودند از حماء الناب روایت است که ایشان می فرمایند: روزی ابو بصیر بر دروازه امام ابو عبدالله نشستند تا به او اجازه دخول دهند ولی امام به او اجازه نداد ایشان گفتند: اگر به همراه ما مال و ثروت می بود حتماً به ما اجازه می داد که ناگهان سگی به سوی او آمد و چهره ی او را با زبان لیسید او گفت: اف اف این

دیگه چیست؟ یکی از همنشینان او به او گفت این سگی بود که چهره ی شما را لیسید.

و در جایی دیگر امام جعفر صادق را فردی ناآگاه و نادان و جاهل قلمداد می کند از شعیب العقرقوفی روایت است که ایشان می فرمایند ابو بصیر به من گفت: از ابو عبدالله درباره ی زنی که شوهر دارد و دوباره ازدواج می نماید پرسیدم ایشان به من گفت: زن رجم شود و آن مرد را صد ضربه تعزیراً بزنند، شعیب می گوید همین سوال را من از امام جعفر صادق پرسیدم ایشان به من گفتند: زن رجم شود و بر مرد هیچ چیزی لازم نمی گردد پس از چند روزی با ابو بصیر ملاقات کردم و به او گفتم من از امام جعفر صادق همین سوال را پرسیدم او به من گفت زن رجم شود و بر مرد هیچ چیزی لازم نمی گردد، ابوبصیر بر سینه ی خود دستی کشید و گفت من اطلاع نداشتم که حکم و دستور و فتوای او هر لحظه تغییر می کند.

و در روایتی دیگر از حماد بن عثمان روایت است که ایشان می فرمایند من به همراه ابی یعفر و فرد دیگری به سوی حیره رهسپار شدیم که در بین راه از دنیا سخن به میان آمد و ما درباره ی او سخن گفتیم ابوبصیر مرادی به ما گفت: اگر امام جعفر صادق آن دوست شما دنیایی گیرش می آمد حتماً به سوی آن می رفت.

و در احوال او نوشته اند که ایشان در حالت جنب و جنابت ائمه را ملاقات می کرد و از بکیر روایت است که ایشان می فرمایند ابوبصیر مرادی را ملاقات کردم و از او پرسیدم: کجا می خواهی بروی او گفت: به ملاقات امام جعفر صادق می روم من به او گفتم من نیز با شما به همراه می آیم او به همراه من با امام ملاقات کرد و امام به سوی او نظر کرد و گفت آیا در منازل

انبیاء و صلحاء با جنایت داخل می شوی. او گفت: پناه بر خدا از غضب و خشم او و غضب شما استغفار نمود و گفت: دیگر به این حال بر نمی گردم.

از حضرت شعیب بن یعقوب العرقوفی روایت است که ایشان می فرمایند: از ابوالحسن درباره ی مردی که با زن شوهردار ازدواج می کند و از احوال آن زن اطلاع کامل ندارد پرسیدم: ایشان در جواب گفت: زن رجم شود و بر مرد هیچ چیزی لازم نمی شود من این سوال و جواب را برای ابوبصیر مرادی تعریف نمودم ایشان گفت قسم به خدا امام جعفر به من گفت زن رجم و مرد شلاق زده شود سپس دستش را بر سینه خود کوبید و گفت گمان می برم امام جعفر هنوز علمش تکمیل نشده است و از نظر علمی رشد ننموده است.

مرادی چنان فردی است که به خاطر اطفاء غریزه ی شهوانی خود کلاس تعلیم و تعلم خواهران را رایج گرداند چنانچه از حسن بن مختار روایت است که ایشان از ابوبصیر نقل می نمایند که ایشان گفتند: در زمانی که خواهران و زنان را تدریس می نمودم با یکی از آنان مزاح و شوخی نمودم. روزی به نزد امام جعفر صادق تشریف رفتم که ایشان به من گفت: ای ابوبصیر شما به آن زن چه چیزی گفته بودید گفتم: به او گفتم دستت را به من بده. امام جعفر صادق به من گفت: هرگز به او نزدیک مشو و با او سخن مگو.

از ابوبصیر به تعداد ۵۷ روایت از راویان مختلف و گوناگونی در کتابهای اربعه نقل شده است که برای آشنایی بیشتر به صفحه ۵۶ و ۶۶ کتاب الشیعه و المتعه نوشته محمد مال الله مراجعه نمایید.

روایت سوم:

سومین روایتی که از آن بر حلت نکاح موقت استدلال می کنند روایتی است که از ابن مسکان نقل شده است که ایشان می فرمایند از حضرت امام جعفر شنیدم که ایشان می فرمودند: اگر حضرت عمر نکاح موقت را حرام نمی گرداند به غیر از افراد شقی و بدبخت هیچ کسی مرتکب زنا نمی شد.

اگر واقعاً نکاح متعه جایز و حلال بود پس چرا حضرت علی در دوران خلافت خویش به آن دستور ندادند و به نشر و ترویج آن نپرداختند و چرا بر منبر علناً حلت آن را بیان نداشتند آیا او کتمان علم نمودند و از نشر آن شرمند می شدند پس چرا آن را بیان نداشتند اگر به دقت بنگریم در می یابیم که عدم بیان ایشان نیز دلیل دیگری بر حرمت نکاح موقت است.

این روایت نیز که توسط ابن مسکان نقل شده است مردود و باطل است زیرا که ابن مسکان مسمی به عبدالله بوده که اکثر علمای شیعه آن را مردود و مستور الحال معرفی نموده اند که در اینجا به نظریات بخشی از آنها اشاره می شود.

نجاشی می گوید: ابن مسکان از ابو عبدالله روایت نقل می کند ولی روایات او فاقد اعتبارند.

و از طرفی دیگر تشیع درباره ی ابن مسکان می گوید: ایشان به خاطر احترام و اجلال ابو عبدالله بر آن وارد نمی شدند و از ایشان سماع حدیث نداشتند و فقط از اصحاب ابو عبدالله روایت نقل می کردند.

کلیه روایاتی که از ایشان نقل شده اند به ۳۵ روایت می رسد اگر واقعاً ایشان سماع نداشته اند و آن سخن درست و به جا است پس چرا ۳۵ روایت نقل نموده است ایشان جزو افرادی هستند که از گروه واقفه شمرده شده اند

چنانچه ابن عقده از علی بن الحسن بن فضال نقل می کند که ایشان فرمودند: عثمان بن عیسی الرواسی به ما گفت: زیاد قندی و ابن مسکان به من گفتند: ما نزد ابو ابراهیم بودیم که ناگهان به ما گفت: اینک بهترین فرد روی زمین بر شما وارد می شود که در آن لحظه ابوالحسن الرضا در حالی که کودکی بیش نبود داخل شد ما گفتیم او بهترین فرد روی زمین است او را در بغل گرفت و بر آن بوسه زد و گفت ای فرزند آیا می دانی که این دو القندی و ابن مسکان بر من مشکوک اند.

واقعه گروهی هستند که تا موسی بن جعفر ائمه را قبول دارند و بعد از آن به امامت هیچ امامی قائل نیستند مرویات ابن مسکان در کتب اربعه تشیع به ۲۷۹ روایت می رسد که مجموعه کسانی که از آنان روایت نقل کرده است به طور مجموع و کلی در کتاب الشیعه و المتعه نوشته محمد مال الله در صفحه ۷۰ الی ۸۲ نقل شده اند.

فهرست

افتراءات تشیع بر صحابه

تشیع برای جواز خرافات و بدعات خویش به صحابه گرامی و گرانقدر آن حضرت اتهامات و افتراءات زیادی را بسته اند که در اینجا به بخشی از افتراءات تشیع بر صحابه خصوصاً بر ابن عباس و ابن عمر پرداخته می شود. خویی در کتاب البیان فی تفسیر القرآن صفحه ۳۱۵ درباره ی ابن عباس چنین می نویسد: ابن عباس تا آخرین لحظه ی حیات خویش بر حلت نکاح موقت پافشاری و اصرار ورزیدند ولی کسی حرف او را نپذیرفت.

این سخن یکی از افتراءاتی است که بر ابن عباس بسته شده است و اگر

از نظر علمی و فنی نظریه ابن عباس را کارشناسی کنیم در می یابیم که ایشان ابتداء به نکاح متعه معتقد بودند ولی بعداً رجوع کرده اند که بعداً مفصلاً آن را مطرح خواهیم ساخت. یکی دیگر از افتراءاتی که بر ابن عباس بسته اند این است که می گویند: ایشان آیه "فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ" را این گونه "فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى" تلاوت نمودند و از آن بر حلت نکاح موقت استدلال می نمودند!

اگر به نظریات مفسرین بزرگوار و جلیل القدر نظری افکنیم در می یابیم که این یکی از دیگر حربه ها و افتراءات تشیع بر صحابه گرامی و گرانقدر آن حضرت است. علامه ابن جریر طبری می نویسد: در هیچ روایتی و در هیچ صحیفه ای از صحف مسلمین آیه اینگونه تلاوت نشده است.

علامه شوکانی می نویسد: یکی از شرایط ثبوت آیات الهی تواتر است و این روایت بالفرض اگر از ابن عباس روایت شده باشد هرگز به تواتر نرسیده است بنابراین جزو آیات الهی نیست و از آن نمی توان استدلال نمود.

علامه ابن تیمیه می نویسد: این روایت به حد تواتر نرسیده است و ما منکر حلت متعه در اوایل اسلام نیستیم شاید این روایت در حد اخبار آحاد پذیرفته شود ولی چون به حد تواتر نرسیده است بنابر روایات متواتر و آیات الهی منسوخ گردیده است و از آن نمی توانیم حلت نکاح متعه را برای همیشه و تا روز قیامت ثابت نماییم و در آن آیه بیان نشده است که "أَجَلٌ لَّكُمْ أَنْ تَسْتَمْتَعُوا بِهِنَّ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى" بلکه مطلق استمتاع و بهره گیری را بیان می دارد و آن وطی با شبهه و حلال را نیز در بر می گیرد.

علامه ابوالفتح مقدسی می گوید: این نوع قرائت هرگز جزو آیات الهی نیست و آن گونه از جانب خداوند متعال نازل نگردیده است و در صحیفه

اجماعی صحابه یافته نمی شود لذا فاقد اعتبار است.

ابن عباس یکی از افرادی است که ابتدا نکاح متعه را جایز و سپس آن را حرام اعلام داشتند و این روایت مشهوری است که از او باقی مانده است و ایشان فقط در جهاد و در آن زمانی که زنان تعدادشان اندک بودند معتقد به حلت نکاح موقت بودند ولی بعداً از آن رجوع نمودند.

از حضرت ابو جمره روایت است که ایشان می فرمایند من از ابن عباس شنیدم که در پاسخ سوال حلت نکاح موقت ایشان فرمودند: ازدواج موقت در زمانی که زنان اندک بودند و در جهاد مسلمانان شرکت داشتند و نیاز شدید و مبرمی به آن داشتند جایز بود.

این سخن که آن را به ابن عباس جناب آقای خویی نسبت داده اند بسیار سخن نابجا و نادرستی است و علاوه بر آن ابن عباس در نزد شیعه جزو افرادی است که آیه کریمه الهی درباره ی آنان می فرماید: "وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا" و او را جزو سارقین بیت المال می دانند در روایتی که از زهری نقل می کنند ایشان می فرمایند از حارث شنیدم که ایشان فرمودند: حضرت علی عبدالله بن عباس را در شهر بصره به عنوان استاندار و والی گذاشتند ولی ایشان دو میلیون ریال از مال بیت المال را برداشتند و به مکه رفتند هنگامی که این سخن به حضرت علی رسید ایشان بر منبر رفتند و در حالی که گریه می کردند فرمودند: این پسر عموی رسول الله است که با آن مکانت علمی و مملکتی خود با او چنین کردند پس با دیگران که از او در درجه و مقام پایین تری هستند چه کار می کنند.

از معلی بن هلال روایت است که ایشان می فرمایند هنگامی که عبدالله

بن عباس متولی بیت المال بصره بودند و آن را به تاراج بردند حضرت علی به او نامه ای نوشت که در آن چنین نوشته بود: من شما را در امانت خویش شریک و سهم کردم و هیچ کس از شما بر من امین تر و نزدیکتر نبود ولی هنگامی که خیانت و رسوایی شما را در آن یافتم چنین فهمیدم که شما برای خداوند جهاد ننموده اید بلکه برای جمع آوری مال و ثروت و زر اندوزی به جهاد رفته بودید و شما از مکاران امت محمد هستید خطبه ای طولانی را نوشته اند که در اینجا تا این مبحث بسنده شده است.

عبدالله بن عباس در جواب می نویسد: نامه ی شما به دستم رسید ولی قسم به خدا که حق من از مال بیت المال از آن بیشتر بوده است و من حق خود را برداشته ام. سپس نامه های دیگر در بین حضرت علی و ابن عباس رد و بدل شده است که از ذکر آن به خاطر اطاله نشدن کلام صرف نظر می کنیم - برخی از علمای شیعه کوشیده اند تا این روایت را ضعیف جلوه دهند ولی محسن الامین در کتاب اعیان الشیعه آن را صحیح قرار داده است و می فرماید: انکار اخذ بیت المال توسط ابن عباس و انکار نامه های این دو به یکدیگر امری بسیار مشکل و سنگین است و در آن نیازی به روایت کشی نیست.

تشیع تنها به اتهام سرقت به ابن عباس اکتفا ننموده اند بلکه معتقدند که حضرت علی صبحگاهان و شامگاهان فرزندان ابن عباس را لعنت و نفرین می نمودند از فضیل بن یسار روایت است که ایشان از ابو جعفر روایت می کند: حضرت علی بن ابی طالب فرمودند: خدایا چشمان دو فرزند فلانی - عبدالله ابن عباس - را کور و آنان را نفرین نما و کوری چشمان آنان را دلیلی بر کوری قلوبشان نما.

از حضرت حسن بن عباس روایت است که ابو عبدالله روایت می کنند که ما نشسته بودیم که فردی از ما به حالت تمسخر و مسخره خندید و از ما پرسید آیا می دانید چه چیزی مرا به خنده آورده است ما گفتیم خیر ما نمی دانیم ایشان گفتند ابن عباس گمان برده بود که از زمره ی افرادی است که مصداق آیه "إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا" قرار گرفته است ولی من به او گفتم آیا با ملائکه خداوند ملاقات نموده اید و آیا آنان به شما خبر داده اند که شما مصداق این آیه قرار می گیرید و در آخرت هیچ حزن و خوفی ندارید ایشان گفتند مومنین با یکدیگر برادرند سپس همه ی ما بر او خندیدیم.

آنچه تاکنون خواندید برخی از روایاتی بود که توسط آنها به ابن عباس اتهام می زدند او را مجروح قرار می دادند ولی از طرفی دیگر نظر و قول او را برای اباحت و حلت متعه معتبر و مستدل می دانند؟!

فهرست

افتراءات تشیع بر عبدالله بن عمر -رضي الله عنهما-

محمد تقی الحکیم در کتاب الزواج الموقت و دوره فی حل مشکلات الجنس در صفحه ۴۱ می نویسد: یکی از کسانی که منکر ازدواج موقت شده اند فرزند عمر بن الخطاب یعنی عبدالله بن عمر است از او درباره حکم نکاح موقت پرسیدند ایشان گفت: قسم به خدا ما در زمان رسول الله زنا کار نبودیم و یک بار دیگر نیز از او پرسیدند فرمود: آن حلال است سائل به او گفت: پدرت عمر آن را حرام گردانده است عبدالله بن عمر در جواب گفت: اگر پدرم آن را حرام و رسول الله آن را حلال گردانده باشد بر ما اتباع چه کسی لازم و ضروری است، از این روایت و داستان نه تنها حلت نکاح موقت را اثبات می نمایند بلکه از آن این مسئله را نیز ثابت می نماید که حضرت

عبدالله بن عمر به اجتهاد در مقابل نهی معتقد بودند و نظریه پدر خویش را قبول نداشتند حربه ی دیگری که در اینجا بکار می بندند در پاورقی مصادر و مراجع اهل سنت از جمله کتاب ترمذی را حواله می دهند در حالی که این روایت هرگز در کتابهای اهل سنت موجود نیست و این داستان دروغین در کتاب المسائل الفقهیه صفحه ۹۳ و کتاب المتعه نوشته فکیکی در صفحه ۵۴ نقل شده است که هر دو مولف آن کتابها اهل تشیع هستند، روایت حلت نکاح متعه هرگز از حضرت عبدالله بن عمر ثابت نیست بلکه خلاف آن روایاتی که دال بر حرمت نکاح موقت هستند از ایشان ثابت است که در اینجا به برخی از آن روایات اشاره می شود.

۱- از حضرت نافع روایت است که ایشان از حضرت عبدالله بن عمر نقل می کنند که ایشان فرمودند: آن حضرت در روز فتح خیبر از گوشت الاغ و نکاح متعه و موقت ما را بازداشتند.

۲- از حضرت سالم بن عبدالله روایت است که ایشان می فرمایند از پدرم در باره ی نکاح موقت سوال شد ایشان فرمودند: نکاح موقت زنا است.

۳- از حضرت سالم بن عبدالله روایت است که در نزد عبدالله بن عمر به او گفتند عبدالله بن عباس نکاح موقت را جایز و حلال می دانند ایشان فرمودند: سبحان الله من گمان نمی برم که عبدالله بن عباس به آن دستور دهند و چنین کاری را جایز بدانند به او گفتند: او به نکاح موقت دستور و تاکید نموده است ایشان فرمودند: در آن زمان عبدالله بن عباس کودکی بیش نبود که آن حضرت ما را از آن نهی فرمودند و ما هرگز زنا را جایز نمی دانیم.

۴- از عبدالله بن عمر روایت است که از او پرسیدند حکم نکاح موقت چیست ایشان فرمودند حرام است در جواب به او گفتند عبدالله بن عباس به

آن فتوی داده است و آن را جایز قرار داده است ایشان فرمودند قسم به خدا عبدالله بن عباس به تحقیق می داند که آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- آن را حرام گرداندند و حرمت آن را در روز خیبر اعلام داشتند.

فهرست

افتراءات تشیع بر اسماء بنت ابی بکر -رضی الله عنهما-:

تشیع برای آنکه خرافات و عقاید خلاف سنت و قرآن خویش را جایز قرار دهند کوشیده اند تا توسط افتراءات و بهتان هایی که بر صحابه می بندند نظریات خویش را به اثبات برسانند هنگامی که توسط افتراء بستن بر ابن عباس و ابن عمر -رضی الله عنهم- نکاح موقت را نتوانستند جایز قرار دهند توسط افتراءاتی بر حضرت اسماء بنت ابی بکر می خواهند آن را ثابت و جایز قرار دهند، فکیکی در کتاب المتعه صفحه ۵۷-۵۶ و راغب اصفهانی در کتاب محاضرات چنین می نویسد: عبدالله بن زبیر بر عبدالله بن عباس بخاطر تحلیل متعه طعن زدند ولی ابن عباس به او گفتند از مادرت بپرس که شما فرزند پدرت هستید یا فرزند متعه. ایشان از مادرشان پرسیدند و او در جواب گفت: شما فرزند متعه هستید، ایشان این روایت کاذبانه را به منابعی همچون العقد الفرید ۱۳۹/۲، شرح البلاغه لابن ابی الحدید ۸۲۲/۵ و غیره نقل و نسبت داده اند.

این روایت بنا به چند دلیل مردود و متروک است:

اولاً: این روایت در بحث حج و متعه الحج آمده است نه متعه النساء و نکاح موقت: مناظره و مناقشه ای که صورت گرفته است درباره ی حج تمتع و جواز آن است نه اینکه آنان درباره ی نکاح موقت مناظره نمایند در کتاب

مسند احمد بن حنبل این روایت چنین وارد شده است که عبدالله بن زبیر فرمودند: فقط به ادای حج مفرد پردازید و قول او - ابن عباس - را ترک نمایید حضرت عبدالله ابن عباس فرمودند آیا مادرت را از جواز حج تمتع نمی پرسید از مادرش پرسیدند و او فرمود حضرت عبدالله ابن عباس بر حق است و قول او معتبر است.

ثانیاً: اگر به کتابهای سیرت و تاریخ بنگریم در می یابیم که زبیر در جواب و حالت بکارت با حضرت اسماء ازدواج نمودند و بعد از وفات زبیر اصلاً ازدواج ننموده اند.

ثالثاً: حضرت اسماء بنت ابی بکر در قباء عبدالله بن زبیر را وضع حمل نمودند و متعه بعد از هجرت و قبل از جنگ خیبر رایج شده بود و در آن زمانی که اسماء حامله بودند نکاح موقت هرگز نبوده است پس چگونه امکان دارد که عبدالله بن زبیر فرزند نکاح موقت باشد و اگر در آن زمان نکاح موقت می بود باید بنا به حدیث آن حضرت که فرمودند: زنانی که به وسیله نکاح موقت ازدواج کرده اید طلاق دهید. او را نیز طلاق می داد ولی طلاق او در هیچ کتابی ثابت نیست.

رابعاً: اگر به کتاب محاضرات الادبا و محاورات الشعراء راغب اصفهانی بنگریم می بینیم که این روایت در آنجا بدون سند همچون قصه ای نقل گردیده است که فاقد اعتبار و ارزش است زیرا که سخنان بدون سند فاقد اعتبارند.

فهرست

روش استدلال تشیع از آیه

"فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً"

علماء و اندیشمندان تشیع از آیه فوق به حلت نکاح موقت فتوی داده اند و آن را قوی ترین و مستدل ترین آیه بر حلت نکاح موقت می دانند ولی این استدلال بنا به دلایل زیر باطل است:

اولاً: این آیه جزیی از آیاتی است که درباره ی نکاح و ازدواج دائم نازل گردیده اند لذا آن نیز بیانگر نکاح دائم است نه نکاح موقت آنجایی که خداوند متعال می فرماید: "حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ" إلى قوله تعالى: "إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَّحِيماً"

ثانیاً: زنی که با آن عقد ازدواج موقت بسته می شود در نزد تشیع زوجه و ملک یمین به حساب نمی رود و جزو ازواجی که از آنان ارث برده شود نیز به شمار نمی رود و نسب نیز از آن ثابت نمی شود چنانچه در کتابهای همچون الفروع الکافی ۴۳/۲ التهذیب ۱۸۸/۲ الاتبصار ۱۴۷/۳ وسائل الشیعه ۴۴۶/۱۴ از محمد بن مسلم روایت نقل می کنند که ایشان از امام جعفر صادق شنیدند که ایشان درباره ی زنان نکاح متعه چنین می گفتند: آن زن جزو زنان اربعه ای که در قرآن مجید ذکر شده است به شمار نمی رود و آن زن نیازی به طلاق ندارد بدون طلاق پس از اتمام عقد قرارداد و ایام ازدواج خود به خود جدا می شود و آن زن به وسیله این نکاح میراث نیز نمی برد و در روایتی دیگر از ابوبصیر نقل شده است که ایشان می فرمایند از امام جعفر صادق درباره ی زنانی که توسط نکاح موقت ازدواج شده اند پرسیده شد آیا آن زنان جزو زنان چهارگانه ای که ذکر آن در قرآن آمده است می باشند؟

ایشان فرمودند خیر.

و در روایت زراره بن اعین از امام جعفر صادق چنین آمده است در نزد امام جعفر صادق درباره ی زنانی که توسط ازدواج موقت به عقد نکاح آمده پرسیده شد آیا آنان جزو زنان چهار گانه اند ایشان فرمودند: اگر می خواهی می توانید هزار زن را به عقد نکاح موقت در بیاورید زیرا که آنان به اجاره گرفته شده اند.

اگر واقعا آنان جزو زوجات و همسران به شمار می رفتند هرگز ازدواج با بیش از چهار تن از آنان بنا به آیه "فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنِي وَثُلَاتٍ وَرُبَاعٌ"

جایز نبود بنابراین آنان زوجه نیستند و حکم آن را نیز نمی گیرند و جزو زنان زنا کار به شمار می روند.

ثالثاً: زنان ازدواج شده توسط نکاح موقت نیازی به طلاق و جدایی ندارند ولی زنان دائم بدون طلاق و گذراندن عده هرگز جدایی و فرقت بین زوجین صورت نمی گیرد. از زراه روایت است که ایشان از امام جعفر صادق روایت می کنند که ایشان فرمودند: هنگامی که وقت نکاح موقت به پایان برسد زن بدون طلاق جدا می شود و اگر شخصی خواست در ایام و مهر او بیافزاید.

رابعاً: ارث یکی از حقوق مسلم زوج و زوجه است که بنا به آیات الهی زوج و زوجه از یکدیگر ارث می برند ولی زنانی که توسط نکاح موقت به عقد در آمده اند هرگز از شوهر و شوهر از آنان ارث نمی برند و در روایتی که از ابن ابی عمیر نقل شده است امام جعفر صادق چنین می فرمایند: زنان نکاح موقت ارث نمی برند.

در روایتی دیگر از سعید بن یسار نقل شده است می فرماید درباره ی زنی که به نکاح موقت عقد می شود و شرط میراث نیز گذاشته شده است پرسیدم ایشان فرمودند زنان نکاح موقت از شوهران ارث نمی برند برابر است که آن ارث مشروط باشد یا غیر مشروط.

و در روایتی دیگر از زراره نقل شده است چنین وارد شده است که امام جعفر صادق فرمودند: در نکاح متعه بین زن و شوهر میراث جاری نمی شود.

فهرست

نظریه شیخ الاسلام ابن تیمیه پیرامون آیه استمتاع

اگر به آیات الهی که درباره ی مهریه زنان در آن آیات بحث شده است می بینیم که خداوند متعال درباره ی زنانی که مدخول بها (زفاف انجام شده) هستند کلیه مهریه را و درباره ی زنان غیر مدخول بها نصف مهر را لازم گردانده اند و آیه استمتاع نیز دنباله آیه ای است که بیانگر ادای مهریه زنان مدخول بها است چنانچه می فرماید: "وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً"

و در جای دیگر می فرماید: "وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا"

زنان نکاح موقت هیچ زمانی در زمره ی زنان عقد دائم و ملک یمین قرار نمی گیرند و بنا به آیه "فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ" از حکم نکاح خارج می گردند زیرا که خداوند متعال می فرماید: "وَالَّذِينَ هُمْ

لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (5) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ
مَلُومِينَ (6) فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ"

لذا چون زنانی که توسط نکاح موقت به عقد در می آیند از لوازم نکاح محرومند و حق طلاق ارث، نسب و غیره را ندارند بنابراین جزو زنا کاران امت اسلامی می باشند که می خواهند زنا ی خود را جنبه ی شرعی بدهند و با خیالی آسوده و راحت بدون هیچ گونه مزاحمتی از جانب ارگانهای دولتی و ماموران امر به معروف و نهی از منکر به عمل فحشا و زنا مشغول و آن را جنبه ی رسمی بخشند.

خلاصه اینکه زنانی که توسط نکاح موقت ازدواج شده اند هرگز جزو زنان نیستند و عقد آنان عقد باطل و ناجیزی است و هر کسی که با آنان عقد ببندد مرتکب عمل زنا شده است و حامیان آن همان حامیان زنا و فحشاء هستند که حرمت آن بنا به دلایل زیر ثابت است:

۱- خداوند متعال در قرآن و پیامبر اکرم در احادیث حرمت نکاح موقت را بیان داشته اند.

۲- صحابه و تابعین در دوران فرمانروایی خویش آن را ممنوع و ناجیز قرار داده اند.

۳- چون زنا عده، طلاق وارث ندارند و نسب فرزندان آنان نیز ثابت نمی شود لذا فرزندان آنان بی سرپرست و بدون پدر و مادر می باشند که تربیت آنان در جامعه به عهده ی چه کسانی خواهد بود؟ و اگر آن شخص در یک روز با عده کثیری از زنان عقد نکاح موقت ببندد و از همه دارای اولاد و فرزند بشود او فرزندان را چگونه می شناسد و با آنان رابطه برقرار می کند.

۴- و اگر در روز یک زنی با عده کثیری از مردان ارتباط برقرار نماید و توسط عقد موقت در اختیار آنان قرار گیرد آن فرزندى که از وی به دنیا می آید از آن کدامیک از مردان خواهد بود و آیا جایز است که آن زن در یک روز در اختیار افراد زیادی قرار گیرد و منی همه ی آنان را در رحم خویش جمع نماید و آیا مخلوط کردن آب منی مردان مختلف و گوناگون در یک رحم جایز است؟

۵- خداوند متعال برای کسانی که توانایی عقد نکاح دائم را ندارند دو راه معرفی می نماید و آنان را به استعفاف و صبر دعوت و راهنمایی می نماید اگر نکاح موقت و یک ساعتی برای دفع شهوات جایز بود حتما آن را معرفی می نمود که هزینه چندانی نیز برای مستمندان نداشت خداوند متعال می فرماید: "وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْزِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ"

ترجمه: و باید پاکدامنی را اختیار کنند کسانی که توانایی نکاح ندارند تا خداوند آنان را از فضل خویش غنی سازد. و در جای دیگر می فرماید: "وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ" إلی قوله: "ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ"

ترجمه: و هر که نتواند از شما جهت توانگری نکاح کند زنان آزاد مسلمانان را پس باید که نکاح کند از کنیزان خود . . . و این برای کسی است که از گناه بترسد و آنکه صبر کنید بهتر است برای شما.

۶- خداوند متعال هدف اصلی عقد و ازدواج را تولد و زاد و ولد فرزندان معرفی نموده است.

ولی در نکاح موقت هدف اصلی از ازدواج زنان اطفاء دفع شهوت است.

بنا به آیه "مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ" (عفت طلب کنندگان نه شهوت رانندگان) مردود می باشد و در نکاح زنان و مردان هر دو باید احسان پاکدامنی را اختیار نمایند نه اینکه زن هر لحظه با یک مرد هم بستر شود و آن را دارای ثواب و اجر بی پایان بداند.

۷- آیه ی "فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ" با آیات قبلی و سیاق و سباق آیه مرتبط است و چون در آیات گذشته بحث نکاح زنان عقد دائم است این آیه نیز به آن مرتبط می گردد و در صورتی که آن را از بحث عقد دائم خارج و به بحث عقد موقت ببریم ارتباط بین آیات منقطع می گردد که آن مخالف ادبیات عرب است زیرا که فاء در اینجا برای اتصال و ارتباط است نه اینکه برای انفصال باشد.

فهرست

متعّه بر چه کسانی حلال است؟

تشیع روایات کاذبانه زیادی وارد نموده اند که متعه فقط بر کسانی جایز است که از ضوابط و شرایط آن آگاهی کاملی داشته باشند از امام رضا روایتی نقل می نمایند که ایشان فرمودند: متعه فقط بر کسانی جایز است که حق آن را بدانند و کسانی که از حقوق متعه بی اطلاع و بی خبرند عقد متعه بر آنان حرام است؟

(من لا یحضره الفقیه 148/2 وسایل الشیعه 438/14)

فهرست

صیغه و شروط آن در نزد تشیع

آنچه تشیع به ذکر آن در عقد موقت معتقدند عبارتند از:

۱- اجرت

۲- مدت

۳- عدم میراث

۴- وجوب عده

از زراره روایت است که امام جعفر صادق فرمودند: متعه با ذکر دو امر جایز می گردد:

۱- وقت معین

۲- اجر معین.

(فروع کلینی 437/2 الوسایل 465/14)

و ابو بصیر روایت که می فرماید: بر زن لازم است که در نکاح متعه بگوید که با شما به مدت چند روز و در مقابل چند درهم عقد موقت می نمایم.

(التهدیب 188/2 الوسایل 465/14)

از اسماعیل بن فضل روایت است که ایشان می فرمایند از امام جعفر صادق درباره ی نکاح موقت پرسیدم ایشان فرمودند: مهریه و وقت نکاح باید مشخص باشد.

(التهدیب 189/2)

از ابان بن تغلب روایت است که ایشان می فرمایند من به امام جعفر

صادق گفتم به زنی که قصد نکاح موقت با او را دارم به او چه بگویم بهتر است امام فرمودند به او بگو: شما را بنا به کتاب الله و سنت پیامبر عقد موقت می نمایم بر این شرط که در بین ما ارث و ورثه نباشد و روز ما مشخص باشد و هر چه شما خواستید من به آن راضی هستم و اجر و مزد شما مبلغش نیز مشخص است.

اگر زن به شما جواب مثبت داد و بله گفت او زن شما است و شما بر آن اولی و مقدم هستید.

(فروع کلینی 44/2)

از ثعلبه روایت است که امام جعفر صادق فرمودند به او بگو: شما را بر کتاب الله و سنت ازدواج عقد موقت می نمایم بر این شرط که ارث نبریم و مدت و اجر شما مشخص و عده بر شما لازم گردد.

و اگر شخصی از بیان تعیین مدت صرف نظر نماید عقد دائم در بین آن دو منعقد گردیده است از عبدالله بن بکیر روایت است که ایشان می فرمایند امام جعفر فرمودند اگر مدت در عقد معین گردد عقد موقت و اگر تعیین نگردد عقد دائم منعقد گردیده است.

از ابان بن تغلب روایت است که ایشان به امام جعفر صادق فرمودند من شرم دارم و شرمنده می شوم که ایام را متعین نمایم ایشان فرمودند: آن بر شما ضرر دارد به او گفتیم چگونه ایشان فرمودند: اگر شما آن را بیان ننمایی در آن صورت عقد دائم منعقد می گردد که بر شما نفقه او لازم و عده و طلاق و ارث نیز ثابت می گردد.

از هشام بن سالم روایت است که ایشان می فرمایند به امام جعفر صادق

گفتم آیا زن به صورت مبهم و غیر تعیین به عقد نکاح موقت در می آید یا خیر؟ ایشان فرمودند آن بر شما بسیار سخت است زیرا که در آن صورت عقد دائم منعقد می گردد و زن توسط آن ارث می برد به او گفتم پس من چه کاری را انجام بدهم ایشان فرمودند: روزهایش را مشخص بنما و آن مقدار چیزی را که به آن می دهی را نیز مشخص نما در این صورت نفقه و عده بر آن لازم نمی گردد.

فهرست

متعّه جزو ارکان ایمان تشیع است

تشیع هنگامی که امری را خوب بیندارند و آن موافق هواها و خواهشات نفسانی آنان باشد برای حلت و جواز آن روایات جعلی زیادی را به پیامبر و اهل بیت نسبت می دهند از امام جعفر صادق روایت شده است که ایشان فرمودند: کسی که به رجعت و متعه اعتقاد نداشته باشد آن از گروه ما نیست.

(من لایحضره الفقیه 2/148)

در یکی از مباحثم که با یک عالم شیعی پیرامون نکاح موقت بحث می کردیم گفتم اگر روایات و احادیث شما را بپذیرم پس بر ما لازم است که از ائمه پیروی نمایم آن شخص گفت یا علی بسم الله من به او گفتم پس دختر و یا خواهرت را در اختیار بنده بگذارید تا با آنان خطبه عقد موقت را بخوانم و برای چند روزی ازدواج و سپس آنان را رها نمایم و در مقابل هر روز به آنان ده دینار تحویل دهم ایشان بسیار خشمگین و قرمز شدند و مرا به خباثت نسبت داده به او گفتم ائمه آن را حلال گردانده اند و شما آن را بر خویشاوندان خود جایز نمی دانید و آن را ناپسند می شمارید.

تشویقات تشیع به نکاح موقت

تشیع برای آن که پیروانش را به سوی نکاح موقت سوق دهد احادیث و اکاذیب جعلی زیادی را برای تشویق و ترغیب آنان ساخته و در کتابهای دروغین شان ثبت و درج گردانده اند که در اینجا به برخی از آن روایات اشاره می شود:

۱- از محمد بن مسلم روایت که ایشان می فرمایند امام جعفر فرمودند: خداوند متعال برای تسهیل و رافت بر شما متعه را به عوض مسکرات و شراب حلال گردانند.

(الروضه من الکافی 151 و سایل شیعه 438/14)

۲- از بکر بن محمد روایت است که می فرماید از امام جعفر صادق درباره حکم نکاح موقت پرسیدم ایشان فرمودند: من بسیار مکروه و ناپسند می دانم که فردی از مسلمانان از دنیا در حالی رحلت نماید که بر گردن او ادای یک سنت - متعه هنوز باقی مانده باشد.

(من لا یحضره الفقیه 150/2 ، بحار الانوار 299/100)

۳- از امام جعفر صادق روایت است که ایشان فرمودند: در شب ليله الاسراء آن حضرت در زمانی که جبرئیل با او ملاقات کردند فرمودند: ای محمد خداوند متعال می فرماید: من کسانی را که متعه می کنند بخشیدم و از آنان محاسبه نمی گیرم.

(من لا یحضره الفقیه 149/2)

۴- در روایتی دیگر نقل شده است که خداوند متعال به اندازه ی آبهایی

که متعه کننده هنگام غسل بر خود می ریزد گناهان او را معاف می نماید و در روایتی که توسط صالح بن عقبه از امام جعفر نقل شده است چنین وارد شده است که ایشان می فرمایند: از ایشان پرسیدم آیا فرد متعه کننده اجر و پاداش ثواب دارد یا خیر؟ ایشان فرمودند: اگر ایشان فقط به خاطر رضای خداوند متعال متعه نماید و آن را سبب جلوگیری زنا بداند خداوند بوسیله کلیه حرکات او برایش ثواب و پاداش می نویسد و در مقابل هر کلمه برای او حسنه و در مقابل هر بار دست گرفتن برای او حسنه و نیکی می نویسد حتما که در هنگام نزدیکی و قرابت گناهان او را معاف می نماید و در هنگام غسل به اندازه آبهایی که بر موهایش ریخته است گناهانش را معاف می نماید، در این لحظه از او پرسیدم آیا به اندازه شمارش موهایش است؟ ایشان فرمودند: آری به اندازه شمارش و تعداد موهایش است.

(من لا یحضره الفقیه 2/149)

عده ای از زنان فاحشه فریفته ی این روایات شده و فساد و زنا کاری خود را جنبه ی شرعی داده و به آن روی آورده اند ولی زنان پاکدامن و با حیاء از آن پرهیز و دوری می نمایند و عده ای دیگر از زنان که خود را شیعی واقعی و مخلص می دانند به خاطر مخالفت با قول حضرت عمر خود را در اختیار دیگران قرار می دهند و به دام نکاح موقت و متعه می افتند از بشر بن حمزه روایت است که ایشان داستان یک فرد قریشی را این چنین بیان می دارند: دختر عمویم به سوی من قاصد فرستاد و گفت: شما از خواستگاران زیاد و کثیر من مطلع هستید ولی من با آنان ازدواج نمی نمایم و از اینکه شما را انتخاب نموده ام نیز راضی نیستم ولی از آن جایی که شنیده ام نکاح متعه در قرآن و احادیث حلال و توسط عمر حرام گردیده است بر خلاف نظریه عمر و به خاطر عناد و عداوت او پیغام نکاح موقت را می دهم من در پاسخ

او گفتم اگر به من مهلت بدهید تا از امام جعفر صادق مسئله را جویا شوم بسیار خوب می شود داستان را برای امام جعفر بیان داشتم ایشان فرمودند اشکالی ندارد با او ازدواج موقت را انجام بده. خداوند بر هر دو شما رحم بفرماید.

(الفروع الکافی 47/2 بحار الانوار 100 ص 307)

۵- از هشام روایت است که ایشان می فرمایند امام جعفر صادق فرمودند من دوست دارم که محبان ما در طول حیات و عمرشان حتما یک بار متعه نمایند و نماز جمعه را با جماعت برگزار نمایند.

(وسائل شیعہ 443/14)

۶- از هشام بن سالم روایت است که ایشان می فرمایند امام جعفر صادق فرمودند: برای مردان نکاح موقت مستحب است و بسیار کریه و ناپسند می دانم که فردی از دنیا برود و ازدواج موقت ننموده باشد.

(وسائل شیعہ 443/14)

۷- از محمد بن مسلم روایت است که ایشان می فرمایند امام جعفر صادق از من پرسیدند؟ ازدواج موقت نموده ای یا خیر؟ به او گفتم خیر ایشان فرمودند از دنیا نرو مگر اینکه این سنت را زنده نمایی.

(الفروع الکافی 47/2)

چنان مبالغه و زیاده روی کرده اند که از امام جعفر صادق درباره ی نکاح موقت چنین روایت می نمایند که ایشان فرمودند: هر شخصی که متعه نماید و سپس غسل نماید خداوند متعال از هر قطره آب غسل او که از بدنش می چکد هفتاد فرشته می آفریند تا برای او استغفار و طلب مغفرت و آمرزش

نماید و دشمنان او را تا روز قیامت لعنت و نفرین نمایند.

(وسائل شیعہ 444/14)

۸- از ابوبصیر روایت است که ایشان می فرمایند نزد امام جعفر صادق رفتم و ایشان به من گفت: ای ابو محمد از زمانی که از خانه ات بیرون آمده ای آیا متعه نموده ای گفتم خیر ایشان فرمودند چرا؟ گفتم بنده همان مقدار پولی را که مهریه زن باشد را ندارم ایشان یک دینار به من دادند و من نیز قسم خوردم که به محض رسیدن به منزل متعه نمایم.

(وسائل شیعہ 444/14)

۹- از علی السانی روایت است که ایشان می فرمایند به ابوالحسن گفتم: من همیشه متعه می نمودم تا اینکه روزی آن را کریمه و ناپسند دانستم و در بین رکن و مقام به خداوند قسم خوردم که هرگز متعه ننمایم و بر خود نذری را نیز واجب گرداندم تا اینکه آن بر من مشکل شد و نتوانستم که ازدواج دائم نمایم و الان نیز آن توانایی را ندارم ایشان به من فرمودند آیا شما با خداوند عهد نموده اید که از آن اطاعت ننمایید برو متعه نما و بر شما هیچ چیزی از سوگند لازم نمی گردد.

(وسائل شیعہ 444/14)

۱۰- از محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری روایت است که ایشان به امام مهدی نامه ای نوشت و از او درباره ی شخصی پرسید که خود را شیعه و متعه را حلال می داند و به رجعت معتقد است مگر اینکه همسر او به ازدواج دوم راضی نیست و او نیز متعه نمی نماید و به مدت ۱۹ سال است که به قول خود وفادار است ولی در بعضی از سفرها چندین ماه از خانواده اش دور می شود و متعه نمی نماید و آن را درجه و قرب و محبت به خانواده اش می داند

آیا او به خاطر ترک متعه گناهکار می شود یا خیر؟

امام مهدی در جواب نوشتند: بر او مستحب و واجب است تا از خداوند اطاعت و متعه نماید و قسم خود را بشکند.

(احتجاج للطبرسي 171 الوسایل 445/14)

فهرست

تعداد زنهای متعه شده در يك زمان معین نیست

با توجه به اهمیت متعه در نزد تشیع و ثواب زیادی که در نزد آنان وجود دارد کوشیده اند تا تعداد زنانی که با آنان نکاح موقت می شود را زیاد نمایند و ثواب بیشتری را جمع نمایند.

۱- از زراره روایت است که ایشان می فرمایند از امام جعفر صادق درباره ی متعه پرسیدم آیا زنان متعه شده جزو زنان چهار گانه ای هستند که در قرآن ذکر شده اند ایشان فرمودند آن زنان مستاجر هستند اگر خواستی هزار تا از آنان را اجاره نما.

(فروع کافی 43/2)

۲- از زراره روایت است که می فرمایند از امام جعفر صادق پرسیدم چند زن در نکاح متعه جایز و حلال است ایشان فرمودند هر چند تا که شما بخواهید.

(فروع کافی 43/2)

۳- از محمد بن مسلم روایت است که می فرمایند امام جعفر فرمودند زنان متعه شده جزو زنان چهارگانه ای که در قرآن ذکر شده اند نیستند زیرا

که این زنان طلاق نمی شوند و از شوهران نیز ارث نمی برند بلکه آنان اجاره شده اند.

(فروع کافی 43/2)

۴- از عمر بن اذینه روایت است که می فرمایند از امام جعفر صادق پرسیدم تا چند زن متعه جایز و حلال است؟ ایشان فرمودند آنان مانند کنیزان هستند و شمارش در آن اعتبار و ارزشی ندارد.

(فروع کافی 43/2)

فهرست

اجرت و مزد زنان متعه شده

برای تسهیل امر نکاح موقت و فراهم شدن امکانات ازدواج موقت و اشاعه ی آنان تشیع روایات جعلی زیادی را به ائمه نسبت داده اند که در اینجا به بخشی از آن روایات اشاره می شود:

۱- از ابوبصیر روایت است که می فرمایند از امام جعفر صادق درباره ی نکاح موقت پرسیدم ایشان فرمودند متعه جایز و حلال است و در آن کافی است که به مقدار یک درهم و یا بیشتر به زن به عنوان مهر پرداخت شود.

(فروع کلینی 45/2)

۲- احوال می گوید: از امام جعفر صادق پرسیدم کمترین چیزی که توسط آن زنان در نکاح موقت به عقد شوهرانشان در می آیند چیست؟ ایشان فرمودند یک کف گندم کافی است.

(فروع کافی 45/2)

۳- یونس از امام جعفر صادق چنین روایت می کنند کمترین چیزی که در نکاح موقت به عنوان مهریه می تواند قرار گیرد یک کف طعام است.

(فروع کافی 48/2)

۴- عبدالرحمن بن کثیر از امام جعفر صادق چنین روایت می کنند: زنی در نزد حضرت عمر آمد و گفت من زنا نموده ام مرا پاک نمایید ایشان دستور رجم او را صادر کردند این خبر به حضرت علی رسید ایشان از آن زن پرسیدند چگونه زنا کردید ایشان گفتند در صحرا رفته بودم که تشنگی بسیار شدیدی مرا گرفت و از یک اعرابی مقداری آب طلب کردم ایشان از دادن آن ابا و ورزیدند و من نیز خود را در اختیار او قرار دادم تا اینکه به من آب نوشاند امام علی فرمودند قسم به خدا این ازدواجی است که شما انجام داده اید.

(فروع کافی 46/2)

یکی دیگر از افتراءات و سخریات تشیع این است که در ازدواج موقت شوهر می تواند از مهریه زن در صورت امتناع و یا غیبت در ایام عقد شده از مبلغ عقد شده کم نماید و از دادن کل مبلغ به آن زن جلوگیری و ممانعت به عمل آورد.

۱- از عمر بن حنظله روایت است که می فرماید از امام جعفر صادق پرسیدم من با زنی نکاح عقد موقت را به مدت یک ماه منعقد می نمایم و او از من کلیه مهریه را طلب می نماید ولی من از او خوف و هراس دارم با او چه کاری را می توانم انجام بدهم ایشان فرمودند شما می توانید مبلغی از مهریه او را در نزد خود نگهدارید و به او پرداخت ننمایید اگر او تخلف ورزید به او کل مبلغ را پرداخت ننمایید.

(فروع کافی 46/2)

۲- در روایتی دیگر از او نقل شده است که می فرماید از او امام جعفر پرسیدم با زنی به مدت یک ماه عقد نکاح موقت می بندم و از مهریه او مبلغی را در نزد خود نگه می دارم ایشان فرمودند آری شما می توانید از او مبلغی را منع نمایید.

(فروع کافی 46/2)

۳- از اسحاق بن عمار روایت است که می فرماید به ابوالحسن گفتم شخصی با زنی عقد نکاح موقت می بندد و در آن شرط می گذارد تا در هر روز او را تمکین دهد ولی او در بعضی از ایام تخلف می ورزد آیا جایز است که از مهریه او مبلغی را حبس نماید ایشان فرمودند آری جایز است به مقدار تمکین باید به او پرداخت شود.

(فروع کافی 46/2)

۴- از علی بن احمد روایت است که ایشان می فرمایند به امام جعفر صادق در نامه ای نوشتم: شخصی با زنی عقد ازدواج موقت می بندد که در آن مهریه مشخص گردیده و شوهر مبلغی را از آن پرداخت و مبلغی دیگر باقیمانده است سپس شوهر با او هم بستر می شود سپس شوهر اطلاع می یابد که آن زن با شخصی دیگر نیز ازدواج نموده است که با او نیز هم بستر می شود آیا آن شخص می تواند مهر باقیمانده را به او تحویل ندهد ایشان در جواب نوشتند: به او هیچ چیزی تحویل ندهد؟ زیرا که او نافرمانی نموده است.

جواز متعه با يك زن و لو اينكه هزاران بار باشد

تشيع معتقد است كه يك فرد مي تواند يك زن را هزاران بار نيز متعه نمايد و زن نيز مي تواند با هزاران شوهر متعه نمايد اين عقیده به وضاحت مشخصی می نماید كه متعه همان زنا و فحشاء است و الا چگونه می تواند يك زن هزاران شوهر و يا يك مرد هزاران همسر داشته باشد.

۱- از زراره روايت است كه می فرمایند به امام جعفر صادق گفتم شخصی زنی را متعه می نماید و پس از او شخصی دیگر او را متعه می نماید آیا آن زن می تواند با شوهر اول متعه نماید ایشان فرمودند آری این زن، زن اجاره شده است و در هر وقت كه شوهر اول بخواهد می تواند او را اجاره نماید.

(التهدیب 191/2)

۲- از ابان روايت است كه می فرماید عده ای از اصحاب امام جعفر صادق از او پرسیدند آیا شخصی می تواند مراتب متعدد و گوناگونی يك زن را متعه نماید ایشان فرمودند اشكالی ندارد.

(فروع كافي 46/2)

۳- از علی بن جعفر روايت است كه می فرماید از امام جعفر صادق پرسیدم يك شخصی چند بار می تواند يك زن را به متعه بگیرد ایشان فرمودند هر مقداری كه او دوست دارد می تواند او را متعه نماید.

(قرب الاسناد 109)

فهرست

تجدید مدت زمان متعه

هنگامی که شخصی تجدید متعه با زنی که متعه شده ولی مدت متعه به پایان رسیده است را داشته باشد می تواند با افزودن مهر و اجرت متعه را تجدید نماید.

از مفضل بن عمر روایت است که می فرماید امام جعفر صادق در طی نامه ای به من نوشت: آنچه خداوند بر ما حلال گردانده حلال و آن چه او بر ما حرام گردانده حرام هستند و متعه از چیزهایی است که خداوند آن را بر ما حلال گردانده اند و حج تمتع نیز حلال است به هر گونه و هر مقدار که می خواهید می توانید زنان را متعه نمایید زن و مرد متعه شده می توانند پس از پایان مدت نکاح موقت در وقت و مقدار اجاره بیافزایند.

و در این باب نیز روایات متعددی نقل شده است که بخاطر اختصار از ذکر آنها صرف نظر کرده ایم.

فهرست

در متعه میراث وجود ندارد

در مذهب تشیع زن و مرد زنا کار هرگز از یکدیگر ارث نمی برند و شوهران و همسران متعه شده نیز مانند آن - زنا- بدون ارث و میراث هستند چنانچه در روایات زیادی به آن اشاره شده است.

از ابن ابی عمیر روایت است که می فرماید امام جعفر صادق فرمودند در بین زن و مرد متعه شده هرگز میراث جاری نمی شود.

(فروع کلینی 47/2)

از سعید بن سیار روایت است که می فرماید از امام جعفر صادق پرسیدم:

شخصی زنی را متعه می نماید و میراث را در عقد مطرح نمی سازند آیا بین آن دو میراث جاری می شود یا خیر؟ ایشان فرمودند میراث در بین آن دو جاری نمی شود برابر است آن را مشروط نمایند یا غیر مشروط.

(التهدیب 190/2)

فهرست

جواز تمتع با دختران باکره

تشیع معتقد است که دختران و پسران جوان می توانند با یکدیگر بدون اذن ولی متعه نمایند چنانچه در روایات متعددی به آن یاد آور شده اند که در اینجا به بخشی از آن روایات اشاره می شود:

۱- از زیاد بن ابی الحلیل روایت که می فرماید از امام جعفر صادق شنیدم که ایشان فرمودند: شخصی می تواند دختر باکره را متعه نماید ولی بکارت او را زائل نگرداند تا خانواده او را سرزنش ننمایند.

(فروع کافی 46/2)

سبحان الله چگونه امکان دارد که فردی زنی را به عقد نکاح خود در آورد ولی در عقد با او شرط نماید تا از شرمگاه او استفاده ننماید و آیا آن فرد می تواند خود را کنترل نماید و بکارت او را از بین نبرد و آیا. . !

۲- از محمد بن ابی حمزه روایت است که از ایشان پرسیدند آیا می توانیم دختران باکره را متعه نماییم ایشان فرمودند متعه با آنان اشکالی ندارد ولی از شرمگاه آنان استفاده ننمایید.

(وسایل شیعہ 458/14)

۳- از ابی سعید القمط روایت است که می فرماید از امام جعفر صادق پرسیدم دختر باکره ای مرا بدون اذن و اجازه ولی خویش به متعه فرا خواند آیا می توانم با او متعه نمایم؟ ایشان فرمودند آری شما می توانید با او متعه نمایید ولی از موضع فرج پرهیز نمایید من به ایشان گفتم اگر او خودش برای استفاده از فرج راضی باشد باز هم پرهیز نمایم ایشان فرمودند آری باز هم پرهیز نما، مبادا زمانی فرا برسد که خانواده او را طعنه زنند.

(التهذیب 187/2)

از این روایات به وضاحت ثابت می گردد که زنان متعه شده جزو مصادیق آیه "مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ" نیستند زیرا که در اینجا عقد متعه جاری گردیده ولی استمتاع صورت نگرفته است و توسط امام جعفر صادق استمتاع ممنوع قرار گرفته است پس شوهر در مقابل چه چیز به آن زن مهریه می پردازد آیا او را به عنوان دوست دختر انتخاب نموده و فقط برای قدم زدن و سخن گفتن با او مهریه می پردازد و آیا مهریه با این چیزها بر شوهر لازم می شود؟ جالب تر اینکه در روایاتی دیگر متعه با دختران باکره مکروه قلمداد شده است که در اینجا به بخشی از آن روایات اشاره می شود:

۱- از حفص بن بختری روایت است که می فرماید از امام جعفر صادق پرسیدند آیا متعه دختران باکره جایز است ایشان فرمودند: متعه آنان مکروه است زیرا که توسط آن خانواده آنان را طعنه می زنند.

(التهذیب 188/2)

۲- از ابی بکر حضرمی روایت است که می فرماید امام جعفر از من پرسید ای ابوبکر از متعه دختران باکره پرهیز نما .

(فقه الرضا 65)

۳- از عبدالملک بن عمرو روایت است که ایشان می فرمایند از امام جعفر صادق پرسیدم آیا متعه دختران باکره جایز است؟ ایشان فرمودند متعه آنان بسیار مشکل است از آن پرهیز نمایید.

(فقه الرضا 66)

فهرست

جواز متعه با زنانی که شوهر دارند

ازدواج با زنانی که شوهر دارند فقط در مذهب مزدک و مارکسی جایز است و مذهب تشیع به پیروی از آنان متعه و ازدواج با زنان شوهر دار را جایز و حلال قرار داده است اگر به دقت و منطق عقلانی به آن بنگریم در می یابیم که این مسئله به تنها سبب هتک حرمت زنان می شود بلکه بی حیایی و رسوایی این مذهب را نیز بیان می دارد در روایات زیادی به آن تاکید شده است که در اینجا به بخشی از آن روایات اشاره می شود:

۱- از یونس بن عبدالرحمن روایت است که می فرماید از امام رضا پرسیدم آیا نکاح زنی که با یک فرد ازدواج متعه نموده است و قبل از اتمام عده با فردی دیگر ازدواج می نماید جایز است ایشان فرمودند: گناه آن بر گردن زن است و نکاح درست است.

(من لا یحضره الفقیه 149/2)

۲- از فضل مولی محمد بن راشد روایت است که می فرماید من از امام جعفر صادق پرسیدم من با یک زنی متعه نمودم و سپس در قلبم این سوال پیش آمد که مبادا او شوهر داشته باشد و سپس پس از تحقیق او را شوهر دار

یافتم امام جعفر صادق فرمودند: متعه او اشکالی نداشت چرا از ازدواج او تحقیق به عمل آوردی نیازی به آن نبود.

(التهذیب 187/2)

۳- از مهران بن محمد روایت است که می فرماید به امام جعفر صادق گفته شد: فلانی زنی را متعه نموده است و او از اینکه مبادا زن شوهر داشته باشد تحقیق کرد امام صادق فرمودند چرا تحقیق نموده است نیازی به تحقیق نیست نکاح و متعه او جایز است.

(التهذیب 187/2)

۴- از محمد بن عبدالله اشعری روایت است که می فرماید به امام رضا گفتم: شخصی با زنی ازدواج می نماید و سپس مشکوک می شود که او شوهر دارد. ایشان فرمودند: نیازی به تحقیق و شک نیست، و متعه او جایز است.

(التهذیب 187/2)

فهرست

جواز متعه با زنان زنا کار

۱- از زراره روایت است که می فرماید عمار از امام جعفر صادق پرسید آیا متعه زنان زنا کار جایز است ایشان فرمودند اشکالی ندارد.

(التهذیب 187/2)

۲- از اسحاق بن جریر روایت است که می فرماید به امام جعفر صادق گفتم در کوفه زن فاجره ای است آیا می توانم با او متعه نمایم ایشان فرمودند آیا او پرچم فسق و زنا را بر خانه اش زده است گفتم خیر ایشان فرمودند آری متعه با او جایز است و در روایتی دیگر نقل شده است که اگر او پرچم

زنا را آویزان کرده باشد باز هم متعه با او جایز است.

(الوسایل 455/14)

۳- از حسن بن ظریف روایت است که می فرماید به امام جعفر نامه ای نوشتم به مدت سی سال است که متعه را ترک نموده ام و اینک به آن علاقمند شده ام در محله ما زن زیبایی وجود دارد ولی فاجره و فاسقه است آیا می توانم با او متعه نمایم ایشان فرمودند شما با آن کار سنتی را زنده و بدعتی را می میرانی هیچ اشکالی ندارد.

(الوسایل 455/14)

فهرست

عاریت گرفتن زنان جایز است

در روایات متعددی که تشیع آن روایات را به ائمه نسبت می دهند به کثرت وارد شده است که عاریت فرج و زنان جایز است و کنیزان را بدون اذن ولی می توانید متعه نمایید. در روایات کثیری جواز عاریت زنان بیان شده است که در اینجا به بخشی از آن روایات اشاره می شود.

۱- از عبدالکریم روایت است که می فرماید از امام جعفر پرسیدم شخصی شرمگاه کنیزش را به اجاره می دهد آیا آن جایز است ایشان فرمودند آری جایز است.

(بحار الانوار 326/100)

۲- از محمد بن مسلم روایت است که می فرماید از امام جعفر پرسیدم آیا جایز است شخصی کنیزان خود را در اختیار دیگران قرار دهد ایشان

فرمودند اشکالی ندارد.

(بحار الانوار 326/100)

۳- از فضل بن یسار روایت است که می فرماید از امام جعفر پرسیدم اصحاب ما از شما روایت می کنند که شما عاریت فرج را جایز می دانید ایشان فرمودند آری سپس پرسیدم اگر شخصی کنیز گرانبهای باکره ای داشته باشد و آن را به اجاره و عاریت دهد و در عقد شرط نماید که از فرج او استفاده ننماید آیا جایز است؟ ایشان فرمودند اشکالی ندارد ولی اگر آن فرد از فرج او استفاده نماید باید عشر قیمت او را بپردازد.

(بحار النوار 326/100)

فهرست

جواز استمتاع از دبر زنان در عقد متعه

از عمار بن مروان روایت است که می فرماید به امام جعفر گفتم شخصی نزد زنی برای نکاح متعه می آید و او می گوید: من به شرطی با شما متعه می نمایم که از فرجم استفاده نمایی و از محل و مکان دیگر می توانی تلذذ حاصل نمایی امام جعفر فرمودند آن فرد باید آن شرط را رعایت نماید و از مکان قبل - فرج - استفاده ننماید.

(فروع کافی 48/2)

فهرست

مصاحبه با چند نفر از نقاط مختلف کشور در مورد صیغه که توسط مترجم انجام گرفته است

س - خانم می شود نظر شما را راجع به ازدواج موقت (صیغه) سوال

کنم؟

ج - آقا بی زحمت از من سوال نکنید کاری نکنید سفره دلم را باز کنم زیرا طاقت شنیدن چنین حرفهایی را ندارید. با سماجت سوال می کنم خانم از روی نیمکت بلند می شود و روی نیمکت دیگری می نشیند از او مجدداً سوال می کنم خانم نظر شما نسبت به ازدواج موقت (صیغه) چیست؟

اول خودتان را معرفی کنید؟

من لیدا - اهل و ساکن تهران متولد ۱۳۵۸ دارای تحصیلات دیپلم و در خانواده ای متوسط زندگی می کردم دو خواهر بودیم و دو برادر زندگی خوب و راحتی داشتیم و در ضمن خانواده ام خیلی مذهبی سرسخت بودند سال آخر دبیرستان بودم که به یک سری کتب دینی دست پیدا کردم که در مورد ازدواج موقت یعنی همان صیغه در آن چیزهایی نوشته بود و از ثواب در مورد متعه و مساله متعه ذهن مرا به خود مشغول کرده بود اتفاقاً روزی از مدرسه به خانه می آمدم که به یک جوان خیلی متین برخورد کردم که با من حال و احوال کرد ولی من اهمیت ندادم این کار چند روز انجام می گرفت خلاصه یک روز جلو مرا گرفت سپس نام مرا سوال کرد به او گفتم اسم من لیدا است من از او پرسیدم اسم شما چیست در پاسخ به من گفت اسم من اسفندیار است ایشان از من خواستگاری کرد با خود گفتم جوانی که در آینده مرا خوشبخت کند اوست خلاصه غروب بود اسفندیار از من جدا شد و من از او خداحافظی کردم و به خانه رفتم. در روز بعد اسفندیار را دیدم او به من گفت ما برای اینکه با هم محرم شویم متعه را انجام می دهیم من همراه با اسفندیار پیش یک روحانی رفتیم روحانی به حاج آقا موسوی معروف بود من ماجرای خود را برای روحانی مزبور گفتم که خانواده من نسبت به آبرو و

حیثیت خیلی پاییند هستند پدر و مادرم نباید بفهمند آیا صیغه جایز است ایشان گفتند اگر خودتان می خواهید اشکالی ندارد ولی تماس جنسی با هم نداشته باشید ایشان صیغه محرمیت را جاری کرد و مجدداً به اسفندیار گفت که با من تماس جنسی نداشته باشد پدر و مادر من و پدر و مادر اسفندیار از ماجرا باخبر نبودند البته پدر و مادر اسفندیار در شهرستان زندگی می کردند اسفندیار در تهران خانه مجردی داشت در اوایل من و اسفندیار با هم برخوردهای خیلی محترمانه ای داشتیم بعدها من و اسفندیار هر چه به هم نزدیکتر می شدیم حس شهوانی کنترل را از ما می ربود من و اسفندیار در دنیای دیگری غرق شدیم دوستی من و اسفندیار همانند دوستی پنبه و آتش بود سرانجام من از اسفندیار حامله شدم پس از اینکه خانواده ام ماجرا را فهمیدند قصد کشتنم را داشتند به ناچار از خانه فرار کردم و در بیمارستان وضع حمل نمودم.

س - ببخشید حالا نظرتان نسبت به صیغه چیست؟

ج - صیغه یعنی راهی برای انجام زنا، صیغه یعنی راهی به سوی بدبختی.

س - مگر دولت به عنوان یک بی پناه به شما آسایشگاه نمی دهد؟

ج - بله قرار می دهد اما خود ماموران دولت از هر زن و دختری که در آسایشگاهها باشند فقط استفاده جنسی می نمایند و حتی زمانی که زندانی شدم مسئولین درجه یک زندان با من عمل زنا را انجام دادند.

حاج آقا این همه زنهای علاف را در پارکها مشاهده می کنید اینها همه زنهایی آواره ای همانند من و بدتر از من هستند که فریب اسلام را خورده اند این چگونه اسلامی است که در آن شهوترانی رایج است من فکر می کنم در

یهود هم چنین چیزهایی نباشد من به علت مشکلاتی که برایم پیش آمده اگر بگویم از هر چه مرد در دنیاست متنفرم شما باور می کنید؟

فهرست

مصاحبه با چند تن زن شیعه

خانم! سلام، اجازه می فرمایید با شما راجع با مشکلات امروز ازدواج موقت (صیغه) از شما سوالی داشته باشم.

خانم: اشکالی ندارد.

حاج خانم! به عنوان یک زن از صیغه در جامعه توضیح دهید.

خانم: صیغه یعنی وسیله ای برای نابود کردن مسلمانان، و من نیز دچار این دسیسه شوم شده ام.

خانم! بیشتر توضیح بدهید اول خودتان را معرفی نمایید.

ج- من زینب-م- اهل و ساکن گرگان در سال ۱۳۵۹ شوهرم در جنگ ایران و عراق شهید شد و من از همسر شهیدم فرزندی نداشتم یک سال بعد که دستور رهبر بود که همسران شهید می توانند با بسیجیان ازدواج موقت و بقولی بسیجی هم بود ازدواج متعه انجام دادم بعد از چند مدتی آن مرد رفت و من به هزار زحمت توانستم برای فرزندم شناسنامه بگیرم فرزندم زهرا متولد ۱۳۶۰ است او با جوانی به نام علیرضا آشنا می شود و آن جوان با مادرش و عمویش به خواستگاری دخترم زهرا آمدند و گفتند که پدر علیرضا در خارج از کشور زندگی می کنند مراسم خواستگاری در غیاب پدر علیرضا صورت گرفت و مراسم عروسی چند ماه آینده برگزار شد شب عروسی علیرضا و

زهرا متوجه جریانی شدم که دیگر خیلی دیر شده بود.

شما متوجه چه چیزی شدید؟

زن با چشمانی پر از گریه می گوید متوجه شدم که زهرا با برادر خودش ازدواج کرده و من خود را مسبب این جنابت فجیع می بینم.

حالا خانم بگو ببینم نظر شما نسبت به ازدواج موقت چیست؟

از دیدگاه من ازدواج موقت یعنی زنا با مدرک.

فهرست

مصاحبه در يك دانشگاه

س - خانم! ببخشید نظرتان در مورد متعه چیست؟

ج - من دانشجوی هنرهای زیبا اهل و ساکن مشهد هستم، به نظر من این مسئله یک ظلم و تحقیر و اهانت به زنان می باشد و این عمل بسیار زشت و ناپسند است و هیچ فرقی با زنا ندارد.

س - آقا! ببخشید شما با صیغه موافق هستید؟

ج - خیر بنده به عنوان یک دانشجوی شیمی و آینده ساز این مملکت کاملاً مخالفم چون در این قضیه سوء استفاده های زیادی می شود و اهانت به خانم هاست و بی بند و باری زیادی در جامعه به وجود می آورد و از دیدگاه من احادیثی را که در فضیلت صیغه از ائمه نقل می کنند جعلی است.

فهرست

خواننده عزیز و گرامی قدر حالا فیصله با شماست

آیا ممکن است که یک حکم شرعی در اسلام وجود داشته و حائز ثواب و اجر بی پایانی باشد و ائمه بر آن تاکید کنند ولی انجام دادن آن را برای خود و خویشاوندان خود عار بفهمند؟! حاشا و کلا همچنین چیزی در اسلام وجود ندارد و این (صیغه) جز یک زنای با مدرک و بی حیایی فراگیر بیش نیست اگر صیغه اصل و اساسی می داشت ائمه و بزرگواران به آن مبادرت می ورزیدند حال آنکه از هیچ یک از ائمه صیغه ثابت نیست.

لذا شکی نیست که این یک بهتان بزرگی است که اهل تشیع آن را تراشیده و به ائمه بزرگوار نسبت داده اند در حالی که آنها (ائمه) از آن بیزار و بری بوده و می باشند.

بنده در ترجمه و تلخیص تا حد توان خود کوشیده ام که اشتباهی رخ ندهد باز هم اگر جایی با اشتباهی بر خوردید آن را از بنده بدانید و دعا کنید خداوند از استمرار بر اشتباه و گناه، ما را نجات عنایت بفرماید.

قدمی که برداشته ام فقط برای اظهار حقیقت برای عموم مسلمین و راهنمایی برادران و خواهران تشیع می باشد تا آنهایی که طبیعت سالم دارند و از نعمت عقل درست کار می گیرند راه درست و حقیقت را در یافته و از چنگال شهوت رانان خود را نجات دهند. خوانندگان عزیز برای اطمینان خاطر شما را دعوت می کنم که به اصل کتب تشیع مراجعه نموده و بدانید که نویسنده افتراء پردازی نکرده است اگر شیعه امروز آن کتابها را قبول نمی کنند پس باید کفر نویسندگان آنها را اعلان و از آنها اظهار برائت نمایند و این کار هرگز از شیعه شدنی نیست.

لذا خوب بدانید که همه این خرافات از اصل مذهب شیعه است و آنها بر آن معتقد و مفتخر هستند پس منتظر روزی باشید که خداوند خودش بین حق و باطل فیصله نماید.

به امید آن روز

مرتضی رادمهر

۸۱/۱۱/۲۵

نشر الکترونیکی : کتابخانه، تاریخ ما - پایگاه دانلود کتابهای تاریخی و

مذهبی

تهیه از : اینی کاظمی ابهری

<http://pdf.tarikhema.ir>

Ancient.ir